

از بلاغت در عنوان تا عنوان بلیغ؛ بررسی کاربری بلاغت در عناوین متون نظم و نثر کهن فارسی

From the Eloquence of Title to an Eloquent Title (Investigating the Application of Eloquence in the Title of Old Persian Proses and Verses)

Mohammad Nabi Kheirabadi⁻
Abolgasem Rahimi⁻
Abbas Mohammadian⁻
Hasan Delbari⁻

محمدنبی خیرآبادی⁻
ابوالقاسم رحیمی⁻
عباس محمدیان⁻
حسن دلبری⁻

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۱

Abstract

For recognizing the position of a text, the title serves as the gate that leads us to the world of text. The relationship between the title (signifier) and text (signified) is a mutual signification; title should be a natural presentation of the text and the latter should have taken form in accordance to the title. However, sometimes it is not the case due to interference of extra-textual factors; therefore, investigating the principles and patterns governing these implications is one of the objectives of this study. This study analyzes the rhetoric used in titling of the ancient Persian prose and poetic works. In choosing a title, factors like subject, time conditions of production of the text, etc. are involved but the application of aesthetic and rhetorical aspects of title is mostly one of the key concerns of authors. Choosing samples from the rhetoric of the titles, we evaluate them based on a critical perspective to make our ways into hidden rhetorical layers of titles. Moreover, the damages resulted from mere attention to the application of rhetoric in the title neglecting the implicative aspects and its relationship with the text are dealt. We seek to make it clear whether the author has taken advantage of the rhetoric to cultivate the title or the other way round. Studying the titles of two works with different themes (mysticism and history), the relationship between the type of rhetoric used in the title, the content of a text, and frequent rhetorical patterns are investigated.

Keywords: Rhetorics, Rhetorical Title, Titling, Aesthetics of Title, Title Pathology.

چکیده

برای شناخت جایگاه یک متن، عنوان به منزله دروازه ورود به متن است. رابطه عنوان (دال) و متن (مدلول) معمولاً دلالتی دوسویه است؛ زیرا عنوان به شکل طبیعی باید معرف متن باشد و متن نیز در راستای عنوان و شرح آن شکل گرفته باشد؛ اما گاه به دلیل دخالت عوامل فرامتنی در نامگذاری‌ها، عناوین آن رسایی و دلالت دقیق بر محتوا را ندارند؛ به همین جهت شناخت اصول و الگوی حاکم بر این دلالت‌ها در عناوینی که با استفاده از فنون ادبی شکل گرفته اند، یکی از اهداف این پژوهش است. در این مقاله به بررسی و تحلیل فنون و صنایع ادبی به‌کاررفته در نام‌گذاری کتاب‌های نظم و نثر کهن فارسی پرداخته می‌شود و مشخص می‌گردد در موارد زیادی کاربری بلاغی جنبه زیبایی‌شناسی و بلاغی عنوان، یکی از دغدغه‌های اصلی صاحبان آثار بوده‌است و این امر با انگیزه‌های مختلف و آشکال متفاوت در عنوان بازتاب داشته است. در این مقاله با انتخاب نمونه‌هایی از صنایع ادبی به‌کاررفته در عنوان‌ها، با نگاه انتقادی به ارزش‌گذاری آنها می‌پردازیم تا از این رهگذر به لایه‌های بلاغی پنهان در برخی عناوین پی‌ببریم. همچنین به آسیب‌های ناشی از توجه صرف به کاربرد بلاغت در عنوان بدون توجه به جنبه‌های دلالت و ارتباط عنوان با متن، اشاره می‌کنیم و این‌که بلاغت در خدمت عنوان قرار گرفته‌است و یا عنوان در خدمت بلاغت بوده‌است. همچنین از نظر به کارگیری جنبه‌های بلاغی در عنوان به ارتباط نوع متن و گونه بلاغت به‌کاررفته در عنوان و الگوهای بلاغی پُرسامد در نامگذاری هریک از این آثار پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: بلاغت، عنوان بلاغی، نام‌گذاری، زیبایی‌شناسی عنوان، آسیب‌شناسی عناوین.

- Ph.D Sandidate of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran; kheyrabadim@yahoo.com

- Assistant Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran (Corresponding Author); mehrohagh@gmail.com

- Associated Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran; mohammadian@hsu.ac.ir

- Assistant Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran; Hassan.delbary@gmail.com

- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران؛ kheyrabadim@yahoo.com

- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)؛ mehrohagh@gmail.com

- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران؛ mohammadian@hsu.ac.ir

- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران؛ Hassan.delbary@gmail.com

۱. مقدمه

از گذشته نام اثر به عنوان یکی از ارکان مهم در شکل‌گیری و پیدایش یک متن و بخشی از نظام متن مورد توجه بوده‌است، همان‌گونه که در هر پدیده‌ای اولین قضاوت غالباً در برخورد اول و بر اساس ظاهر آن پدیده اتفاق می‌افتد، اولین برخورد و آشنایی با آثار مکتوب در هر زبان هم از طریق عنوان صورت می‌گیرد و اولین قضاوت مخاطب در مورد هر اثر و متن بر اساس عنوان شکل می‌گیرد؛ زیرا عنوان به منزله ویتترین یا شمایل و چهره اثر است و معمولاً باید اثری از معنی (متن) در صورت دیده شود؛ نکته‌ای که برخی از شاعران نیز در اشعار خود به اهمیت و جایگاه عنوان در ارتباط با متن و تأثیر آن بر مخاطب اشاره کرده‌اند؛ ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱ ه.ق.) در همین زمینه در چندین بیت به ضرورت توجه به عنوان و اثرگذاری آن بر مخاطب اشاره کرده است:

نامه‌ای کرد خدا چون به خرد زی تو

نامه را نیست مگر صورت تو عنوان

و در بیتی دیگر می‌گوید:

نیک زین عنوان بندیش و مراد او

همه زین عنوان چون روز همی برخوان

(ناصرخسرو، ۱۳۷۲: ۳۷۷)

تأکید بر عنوان و جایگاه آن، در شعر شماری شاعران دیگر نیز بازتاب داشته‌است و اغلب بر رابطه عنوان و متن و دریافت متن از طریق دقت در عنوان اشاره کرده‌اند؛ در همین زمینه سعدی (۶۱۰-۶۸۱ ه. ق.) به زیبایی به رابطه عنوان نیک و متن اشاره می‌کند:

حُسن عنوان چنان که معلوم است

خبر خوش بود به نامه درش

(سعدی، ۱۳۶۹: ۸۳۰)

از بین شاعران دیگر ابو حنیفه اسکافی (ف ۴۹۲ ه. ق.) نیز در ضمن مضمون‌سازی خود

به جایگاه عنوان اشاره می‌کند:

نامه نعمت ز شکر عنوان دارد

بتوان دانست حشو نامه ز عنوان

(به نقل از بیهقی، ۱۳۷۳: ۹۶۷/۳).

برخی اساسی‌ترین رکن کتاب را عنوان آن می‌دانند؛ زیرا معمولاً نویسنده با توجه به عنوان و در زیر عنوان است که به تألیف می‌پردازد. عنوان کتاب در مقایسه با ارکان دیگر که درونی و نهان هستند، به منزله رکن بیرونی و ظاهری کتاب شمرده می‌شود (ر.ک: اسفندیاری، ۱۳۶۹: ۱۱۳). از طرفی شناخت عنوان به عنوان یک خردمتن برای ورود به دنیای متن اصلی ضروری به نظر می‌رسد؛ به طوری که دقت در شناخت عنوان، گاه به شناخت متن و درون‌مایه موجود در آن کمک می‌کند. با در نظر گرفتن این نکته که «هر کتاب خوب یک جمله درخشان است که تا پایان گسترش می‌یابد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: سی و سه)، گاه یک عنوان می‌تواند چنین کارکردی داشته باشد؛ زیرا عنوان در اغلب موارد فشرده و عصاره متن است و متن، شکل گسترش‌یافته عنوان به حساب می‌آید؛ از این رو عنوان از دیر باز برای عمده پدیدآورندگان آثار جایگاه ویژه‌ای داشته است. همچنان که در سنت ادبی ما شاعران برای جلب توجه و جذب مخاطب به پیگیری متن، در شروع قصیده‌ها بر «حسن مطلع» و در آغاز داستان‌های منظوم بر «براعت استهلال» تأکید داشتند؛ انتخاب عنوانی متناسب با محتوا و در عین حال جذاب، از اهمیت زیادی برخوردار بوده‌است؛ زیرا عنوان به منزله دروازه ورود به متن است، و برای ورود به دنیای درون اثر باید از مسیر عنوان طی طریق کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، درمی‌یابیم که عنوان در برخی از آثار در حقیقت مرکز اندیشه شاعر و نویسنده است که در متن تکثیر می‌شود و گسترش

۲. بیان مسئله (گذر از عنوان به متن)

ارتباط عنوان و متن و شکل‌گیری عنوان بر اساس نوع صنعت ادبی و متن موضوع اصلی این پژوهش است زیرا نشانه‌ی زبانی رابطه‌ی یک چیز و یک نام نیست، بلکه رابطه‌ای است بین یک مفهوم و یک الگوی صوتی که الزاماً به معنی مادی بودن آن نیست (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۴). و از نظر فردینان دو سوسور (Ferdinand Do Saussure / ۱۸۵۷-۱۹۱۳ م.)، زبان‌شناس سوئیسی، دلالت رابطه‌ی ایجابی است که بین دال و مدلول برقرار است و رابطه‌ی دال (تصور صوتی) و مدلول (تصور ذهنی) را که به نشانه، هستی و انسجام می‌بخشد، دلالت می‌نامند (سجودی، ۱۳۸۸: ۵۱). گاه دلالت موجود بین دال و مدلول صریح و بسیار محکم و قوی است که تصور دوگانگی و جدایی آن‌ها غیرممکن است؛ زیرا در این نمونه‌ها نشانه، خارج از نظام متن نیست اما گاه به دلیل دخالت عواملی غیر از نظام طبیعی زبان، این دلالت، رسایی لازم را برای معرفی متن ندارد. هرچند عناوین به عنوان یک نشانه که بخشی از نظام متن است مورد بررسی قرار می‌گیرند اما حضور عوامل برون‌متنی می‌تواند در شکل‌گیری آن مؤثر باشد. از این رو شناخت این عوامل برون‌متنی و برون‌زبانی و مشخص نمودن میزان تأثیرگذاری و نفوذ هر کدام در شکل‌گیری عنوان آثار، ضروری به نظر می‌رسد.

گزینش نام مناسب، زیبا و اثرگذار برای آثار نظم و نثر فارسی در موضوعات مختلف، از گذشته تا به امروز بخشی از فرایند تولید متن بوده است. طبیعی است که بعد از آفرینش هر اثر و یا تولید متن معمولاً شاعر یا نویسنده برآن است تا عنوانی که برمی‌گزیند در عین تناسب با محتوای اثر و برخورداری از زیبایی و رسایی (فصاحت و بلاغت) در انتقال و دلالت مخاطب به محتوای اثر موفق باشد. به طور حتم همیشه انتخاب عنوان و

می‌یابد و هویت اثر را به مخاطب می‌شناساند از طرف دیگر توصیف‌کننده فضای فرهنگی، سیاسی و ادبی دوره نگارش متن نیز می‌تواند باشد.

از دیدگاه نشانه‌شناسان نام‌ها و عناوین در حوزه «نشانه‌شناسی» بررسی می‌شوند تا نوع دلالت و چرایی انتخاب یک نشانه برای یک پدیده و محتوا مشخص شود؛ از این منظر پرداختن به عنوان‌ها (نشانه‌ها) به عنوان ابزار تحلیل متن در حوزه مطالعات ادبی کاربرد دارد (مکاریک، ۱۳۹۰: ۳۲۶). از نظر سوسور، زبان، نظام نشانه‌هاست و واقعیت کلیدی در این میان همانی است که او آن را ماهیت قراردادی زبان می‌نامد؛ مقصود دو چیز است: اول اینکه نشانه (واژه) ترکیبی است از یک صورت (دال) و یک معنا (مدلول) و رابطه‌ی صورت و معنا بر اساس قرارداد است نه شباهت ذاتی. از نظر سوسور زبان یک «نظام نام‌گذاری» نیست که نام‌های خود را بر مقولاتی که بیرون از زبان هستند می‌گذارد بلکه اول نظامی از مفاهیم شکل می‌گیرند و بر اساس قراردادهایی، نظامی از صورت بر آن می‌کشد (کالر، ۱۳۸۹: ۷۸). بر این اساس «نشانه‌شناسی مطالعه نظام‌مند همه عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها و یا در فرایند دلالت، شرکت دارند» (مکاریک، ۱۳۹۰: ۳۲۶). و از این رو نشانه‌شناسی عناوین که «به منزله‌ی کدی برای ورود به دنیای نشانه‌های هر اثر است.» (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۱) و یافتن رمزها و کدهای مستتر در آن و قوانین حاکم بر نشانه‌ها، امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا از نظر اکو «موضوع اصلی نشانه‌شناسی، نشانه نیست بلکه تأویل نشانه‌هاست.» (همان: ۳۶۵). با توجه به نکات مطرح شده در دیدگاه نظریه‌پردازان اهمیت پرداختن به عناوین به عنوان یک نشانه‌ی کلیدی برای ورود به متن مشخص می‌گردد.

کتاب به آن آگاهند اگر چه تا به حال به عنوان موضوعی قابل تحقیق مورد توجه جدی پژوهشگران قرار نگرفته است.

با در نظر گرفتن عنوان اثر به منزله کلید رمز ورود به دنیای یک متن و رمزگشایی از نشانه‌های درون آن، شناخت عنوان اثر در جایگاه یک نشانه و کشف رابطه آن با جریان شکل‌گیری متن ضرورت پیدا می‌کند. همچنین برای آگاهی کامل و دقیق از میراث گذشته ادبی و فرهنگی یک تمدن و فرهنگ باید همه ابعاد آن موشکافانه بررسی شود تا بتواند در معرض قضاوت و نقد صحیح قرار گیرد. از طرف دیگر اهمیت بررسی عناوین متون در یک دوره و یا موضوع خاص از این جهت باید مورد تأکید قرار گیرد که گاه بررسی جمال‌شناسی عنوان انتخابی برای یک اثر ذهنیت شاعر و نویسنده را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که «در جمال‌شناسی نام کتاب‌ها در هر دوره، ساختارهای نحوی مورد علاقه شاعران و نویسندگان، تم‌ها و موتیوهای مورد توجه را نشان می‌دهد و هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساخت‌های جمال‌شناسی یک شاعر حتی دیوان‌های او خوانده شود، می‌توان از روی نام کتاب‌ها ذهنیت او را تحلیل کرد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۴۲)؛ زیرا طبق نظریه جرجانی وظیفه کلام، بیان شناخت و معرفت انسان است و اظهار ما فی‌الضمیر آدمی در نتیجه، بهترین کلام آن است که به نحو بهتری عهده‌دار این وظیفه شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۰۸). بر همین اساس پرداختن به موضوع عنوان آثار در یک زبان و بررسی سیر تحولات بلاغی و زیبایی‌شناسی شکل‌گرفته در آن و نشان دادن عوامل موثر در این تحولات می‌تواند راهگشای برخی پژوهش‌های اجتماعی، تاریخی، زبان‌شناسی و زیبایی‌شناسی قرارگیرد. این پژوهش در پی آن است که علاوه بر نشان دادن الگوهای

نام برای یک اثر از یک الگو و شرایط واحد پیروی نمی‌کند؛ همان‌طور که عوامل و شرایط تولید آثار متفاوت هستند، عوامل و زمینه‌های نام‌گذاری آثار نیز یکسان نیستند به همین سبب در انتخاب عناوین آثار نظم و نثر فارسی شاهد تنوع و گستردگی زیادی هستیم.

با بررسی گذرای عناوین متون نظم و نثر فارسی درمی‌یابیم که نوع انتخاب نام با سبک نگارش و جایگاه هنری یک متن ارتباط مستقیم دارد، همان‌طور که ما از اولین نثرها و شعرها انتظار اثری متعالی را نداریم در نام‌گذاری‌های دوره اول نیز با توجه به نبود پیشینه قبلی و وقوع گسست فرهنگی به واسطه تغییر خط و زبان، نویسندگان و شاعران از عناوین ساده فارسی و یا غالباً عربی استفاده می‌کردند که می‌توان برای استفاده از عناوین عربی دلایل دیگری نیز ذکر کرد. اما به موازات تعالی و رشد شعر و نثر و یا سستی، ضعف و تقلید در آن، در نام‌گذاری‌ها نیز شاهد تعالی و گاهی ضعف، تکرار و تقلید هستیم و با تنوع و گستردگی متون، نام‌گذاری‌ها نیز ابعاد مختلفی پیدا می‌کنند که برای بررسی و شناخت دقیق این تحولات و تفاوت‌ها آن‌ها را بر اساس نوع بلاغت به‌کاررفته در آن‌ها و دلایل استفاده از شیوه‌های بلاغی خاص در هر متن می‌پردازیم تا در حد امکان به انگیزه‌های پنهان و احتمالی موجود در عناوین دست‌یابیم و آسیب‌ها و اشکالات موجود در برخی از عناوین را که ناشی از توجه صرف به کاربرد بلاغت است بررسی کنیم.

۳. ضرورت پژوهش

از اولین نام‌گذاری آثار نظم و نثر فارسی بیش از هزار سال می‌گذرد و در گذر زمان همانند تحولات شعر و نثر فارسی، عناوین نیز بر اساس تحولات فرهنگی و سیاسی دچار تحول شده‌اند که اهل

نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی صورت گرفته در غرب، پژوهش‌هایی در حوزه عناوین و نام‌گذاری آثار صورت گرفته است. از این بین پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه عناوین متون، که بیشتر از نظر کلیت موضوع و نه محدوده زمانی و موضوعی به این پژوهش نزدیک هستند، نمونه‌های زیر قابل ذکر هستند:

بررسی نشانه‌شناسی و بلاغی عناوین کتاب‌های شعر معاصر ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرتضی داوری (۱۳۹۱) که در آن به تحلیل نشانه‌شناسانه عناوین شعر معاصر در یک دوره زمانی خاص می‌پردازد؛

نقش عوامل فرامتن در نامگذاری اشعار شفيعی کدکنی و آدونیس پایان‌نامه کارشناسی ارشد صدیقه اکبری بیدگانی (۱۳۹۲) به تأثیر عوامل فرامتنی مانند: دین، عرفان، زمان، طبیعت، رویدادهای سیاسی و میراث ادبی که در شکل‌گیری عناوین اشعار این دو شاعر مؤثر بوده‌اند، پرداخته است؛

«عنوان‌گزینی اشعار و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن در شعر فروغ فرخزاد»، افسانه رضایی و مجید بهره‌ور (۱۳۹۶) مقاله‌ای است که به ارتباط عنوان شعرهای فروغ فرخزاد و روند تحول سبکی و محتوای شعر او می‌پردازد؛

«بررسی چگونگی نامگذاری عنوان شعر در ادبیات سنتی و معاصر و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن»، مهدی دهرامی (۱۳۹۴) که مقاله‌ای است تنها به عنوان شعر (نه مجموعه) از جنبه زیبایی‌شناسی می‌پردازد؛

«عنوان کتاب و آیین انتخاب آن»، محمد اسفندیاری (۱۳۹۶) در چندین شماره و به اختصار به مبحث نام‌گذاری آثار غالباً امروزی اعم از ترجمه و تألیف پرداخته است؛

«نگاهی به معیارهای زیبایی‌شناسی در انتخاب

جمال‌شناسی عنوان‌ها، به آسیب‌شناسی کاربرد بلاغت در نام‌گذاری متون گذشته بپردازد تا از این رهگذر آثار نظم و نثر، مورد نقد و ارزیابی دقیق قرار گیرند. بررسی الگوها و تحولات نام‌گذاری آثار از آن جهت مهم است که ما را با ذائقه و سلیقه نویسندگان و مخاطبان این آثار در هر دوره‌ای آشنا می‌سازد. همچنین با «یافتن دلالت معنایی نشانه‌های اثر هنری و دانستن مناسبات درونی نشانه‌ها درک ژرفای معانی اثر آسان می‌شود» (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۲).

در این پژوهش از بین سه لایه زبانی، بلاغی و معنایی موجود در هر عنوان، تنها به لایه بلاغی عنوان‌ها در آثار فارسی پرداخته می‌شود تا بتوان تا حدودی به برخی از پرسش‌های شکل‌گرفته در ذهن مخاطب درباره چرایی نام‌گذاری برخی از آثار در حد توان پاسخ داد.

۴. پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته پژوهش‌های چندی نزدیک به موضوع و شیوه پژوهش در این حوزه انجام گرفته است که ضمن معرفی آن‌ها به تفاوت‌های آن‌ها با پژوهش حاضر اشاره می‌گردد.

قدیم‌ترین اثر پژوهشی در جهان اسلام که می‌توان آن را اثری در حوزه عنوان‌پژوهی و کتاب‌شناسی دانست، کتاب *الفهرست* ابن ندیم است که اولین بار در سال ۳۸۵ هـ. ق. به ضبط نام کتاب‌ها، موضوع و انتساب آن‌ها به مؤلفان پرداخته است. پس از نگارش این اثر است که جریان نگارش *فهرست‌نویسی* در زبان عربی آغاز می‌شود. هر چند این اثر بیشتر در حوزه معرفی آثار بر اساس موضوع و انتساب آن‌ها به نویسنده است اما از جهت معرفی و اشاره دلالت عنوان به متن و همچنین اشاره به دلایل نام‌گذاری برخی از کتاب‌ها ارزشمند است.

در دوره‌های اخیر با تأثیرپذیری از پژوهش‌های

خودکاری زبان استفاده شده است و جهت گیری پیام عنوان نیز به سمت متن و در نهایت مخاطب است اما در عناوین فرهنگ‌های دیگری همچون *انيس الشعرا* و *دُرّ دری* جهت گیری پیام به صورت خودکار به سمت عنوان متمرکز می‌شود و مخاطب ابتدا باید از عنوان رمزگشایی کند و بعد به رابطه آن با متن پی‌ببرد؛ زیرا در هر دو عنوان اخیر به جای فرایند خودکار زبان از نقش ادبی زبان (استعاره) استفاده شده است.

عناوین در نگاه اول به دو گروه تقسیم می‌شوند: عناوینی خنثی و صریح و عناوین مدعی و غیر صریح. عناوین صریح به سادگی مخاطب را به محتوای اثر دلالت می‌دهند مانند *تاریخ بیهقی*، *خسرو و شیرین*، *ترجمان القرآن*، *نوروزنامه*، *انسان کامل*، در این عناوین فرایند خودکاری زبان که ناشی از به کارگیری عناصر زبان بدون جلب نظر است، استفاده شده است اما در گروه دوم عناوینی هستند که به خاطر حضور عوامل فرامتنی و فرازبانی (قاعده‌افزایی) و یا استفاده از شیوه بلاغی در عنوان، به شیوه برجسته‌سازی و غیرصریح مخاطب را به محتوای متن دلالت می‌کنند. هدف از کاربست بلاغت در عناوین از دیدگاه زبانشناسان، آشنایی‌زدایی از قواعد عادی زبان و برهم زدن هنجارهای شناخته شده در ساختار ارتباطی زبان است تا از این طریق توجه مخاطب را برانگیزد و دلالت غیر صریح را جایگزین دلالت صریح سازد (ر.ک: صفوی، ۱۳۷۳). از دیدگاه بلاغی هدف، زیبایی و التذاذ هنری است که مخاطب از کاربرد متفاوت زبان و نشانه‌ها در خود احساس می‌کند. البته این کاربست شیوه بلاغی در عناوین به روش آشنایی‌زدایی، پیوسته منجر به کلام بلیغ نمی‌گردد و در موارد قابل توجهی به ابهام و گنگی و گاه بی‌معنایی و بی‌مفهومی در عنوان و نشانه منجر می‌گردد؛ زیرا گاه نویسنده و شاعر تنها به دنبال

نام کتاب‌ها»، محمد مهیار (۱۳۷۸) تنها در دو صفحه به شیوه‌های نام‌گذاری کتاب‌های نثر معاصر اشاره کرده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در محدوده شعر و نثر معاصر است و در حوزه متون کهن پژوهشی صورت نگرفته است.

۵. کاربرد بلاغت در عنوان

۵-۱. نقش جلب کننده (ترغیبی)

یکی از نقش‌های زبان، نقش ادبی است. در نقش ادبی جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام است. صورت‌گرایان (formalists) دو فرایند زبانی را از یک‌دیگر باز می‌شناسند و بر این دو فرایند نام خودکاری (automatisation) و برجسته‌سازی (foregrounding) نهاده‌اند.

به عقیده هاورانک (B. Havranek) فرایند خودکاری زبان در اصل به کارگیری عناصر زبان است، به گونه‌ای که به قصد بیان موضوعی به کار رود، بدون آن که شیوه بیان جلب نظر کند. اما شیوه برجسته‌سازی به کارگیری عناصر زبان است به گونه‌ای که شیوه بیان جلب نظر کند و غیر متعارف باشد و در مقابل فرایند خودکاری زبان غیرخودکار باشد (صفوی، ۱۳۷۳: ۳۵-۳۶). بر اساس آنچه گفته شد در این نقش، عنوان عاملی برای جلب توجه مخاطب و خواننده است و «به مثابه تابلو تبلیغاتی عمل می‌کند و در صورت استفاده صحیح از این نقش، سبب کشش خواننده به انتخاب و مطالعه متن می‌شود» (بخیت، ۱۳۹۲). در تمام عناوینی که در آن‌ها از صنعت اغراق، مبالغه، استعاره و... استفاده می‌شود، هدف نویسنده و شاعر برجسته‌سازی عنوان در جهت ترغیب مخاطبین بوده است. برای مثال اولین فرهنگ لغت فارسی با عنوان *لغت فرس* است که در نام‌گذاری آن از فرایند

کرده است نمی‌باشد و خواننده باید از مدلول نخستین مشبه‌به بگذرد و به مدلول ثانوی که نیت گوینده است برسد (ر.ک: پورنامداریان، ۱۳۹۱: ۱۹۷). در این موارد درک معنای نشانه‌ها موکول به حرکتی است که از درون نشانه شروع می‌شود و به بیرون کلمات یعنی مدلول نشانه‌های مذکور در کلام ختم می‌شود و این گذر از درون به بیرون با گذر از یک مانع، یعنی نشانه دوم - که جانشین نشانه نخستین و اصلی است - به مدلول مورد نظر می‌انجامد و فاصله نشانه تا مدلول طولانی‌تر است؛ زیرا برخی از نظریه پردازان حوزه بلاغت معتقدند که شگرد هنر آن است که اشیاء را ناآشنا سازد تا از طریق مشکل شدن صورت‌ها، طول ادراک افزایش یابد (ر.ک: قادری، ۱۳۷۱: ۳).

برای نمونه در عنوان *زاد المسافر مدلول نهایی* با این واسطه‌ها و قرینه‌ها به دست می‌آید که انسان مسافر است و زندگی سفر است و همان‌گونه که در طول سفر آذوقه و توشه‌ای لازم است برای سفر زندگی نیز آذوقه‌ای از حکمت لازم است در نتیجه فرایند انتقال از لفظ عنوان به مدلول نهایی این‌گونه خواهد بود:

نشانه ۱ (کلمه) ۱ - نشانه ۲ - (کلمه) /
دال ۲ - مدلول
زادالمسافر - آذوقه و توشه سفر - حکمت در
زندگی مثل آذوقه است.

۵-۲. لایه بلاغی^۱ در عنوان

همان‌طور که در بخش‌های قبل اشاره شد در انتخاب یک عنوان، عواملی از قبیل موضوع و شرایط زمانی تولید متن و ... دخالت دارند اما در موارد زیادی کاربردی جنبه زیبایی‌شناسی و بلاغی عنوان، یکی از دغدغه‌های اصلی صاحبان آثار بوده است که به دلایل مختلف و اشکال متفاوت در عنوان بازتاب داشته است؛ زیرا «نام‌ها از دو

آشنایی‌زدایی صرف بوده است و از مبحث دلالت غافل شده است و یا در انتقال دلالت مورد نظر خود به مخاطب ناتوان بوده است. نکته‌ای که نظریه پردازان حوزه بلاغت بر آن تأکید دارند که در هنجارگریزی و برجسته‌سازی زبان «خواننده علاوه بر احساس جمال‌شناسی باید از لحاظ رسانگی و ایصال هم با اشکال مواجه نشود» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۸: ۱۴). نکته دیگر در کاربرد فنون بلاغی این است که این امر از یک طرف نشان دهنده نوع تفکر صاحب اثر است و از طرف دیگر در اندیشه و تفکر مخاطب نیز اثر می‌گذارد و گاه او را به واکنش وامی‌دارد؛ زیرا از نظر دانیل چندلر (Daniel Chandler / ۱۹۵۲ م.)، نشانه‌شناس انگلیسی، فنون بلاغی صرفاً با چگونگی بیان اندیشه‌ها سروکار ندارند، بلکه بر چگونگی اندیشیدن نیز تأثیر می‌گذارند و توجه جدی بر این وجه مطلب نیز ضرورت دارد زیرا فنون بلاغی مختص آثار ادبی نیست و سطح گسترده‌ای را شامل می‌شود (سجودی، ۱۳۹۰: ۵۳).

در عناوینی که در آن‌ها از رمزگان هنری (فنون ادبی) استفاده شده است، نشانه‌شناسی عناوین، عبارت از گذر از نشانه‌های زبانی، یعنی کلمات است و رسیدن به مدلولی در ورای نشانه‌ها که زبان، کلمات را برای آن وضع کرده است. حل و توضیح دشواری‌های متن زمینه این گذر از نشانه‌ها به عنوان دال و رسیدن به مدلول را در ورای نشانه‌ها هموار می‌کند. گاهی این گذر از نشانه به مدلول نشانه، یک مرحله دشوارتر می‌شود؛ و این وقتی است که عناوین به شکل استعاره از نوع مصرحه هستند و مشبه در ذهن گوینده است و تنها مشبه‌به در کلام ذکر می‌شود، در این حالت معنی به ابهام می‌گراید زیرا مشبه که معنی مبتنی بر آن است در کلام مذکور نیست و در نتیجه مدلول مشبه‌به نیز، همان معنی و منظوری که گوینده اراده

۶. شگردهای بلاغی به کاررفته در عناوین^۲

۱-۶ بدیع لفظی

استفاده از صنایع لفظی در جهت بلاغت‌افزایی در عنوان اثر، یکی از شیوه‌های رایج در نام‌گذاری متون بوده است که به جهت موسیقایی و داشتن آهنگ شعری بسیار مورد استقبال نویسندگان متون فارسی در موضوعات مختلف بوده است. غالب آرایه‌های ادبی به کاررفته در این بخش سجع است که در شکل‌های موازنه و ترصیع بروز یافته‌اند. کاربرد این شیوه (سجع) منجر به طولانی شدن عنوان (اطناب) می‌شود و به نویسنده این فرصت را می‌دهد تا علاوه بر معرفی کامل‌تر اثر خود به نکات بلاغی دیگر نیز در عنوان بپردازد. این شیوه نام‌گذاری عموماً به زبان عربی و به تقلید از عناوین کتاب‌های عربی انجام گرفته است و در موارد قابل توجهی علی‌رغم داشتن چندین نکته بلاغی، به واسطه استفاده از شیوه نثر متکلفانه و مصنوع و یا استفاده از استعاره‌های غریب دلالت عنوان به متن دچار آشفتگی شده است که باید خواننده از طریق چندین واسطه به رابطه متن و عنوان دست یابد.

۱-۱-۶ سجع

در عناوین طولانی، استفاده از روش هماهنگ‌سازی یا تسجیع که بر همسانی هر چه بیشتر صامت‌ها و مصوت‌ها استوار است، به یک شیوه و سبک در انتخاب عنوان متون تبدیل شده بود، به گونه‌ای که به ندرت عنوان طولانی بدون استفاده از این تناسب لفظی دیده می‌شود و با توجه به کاربرد سجع در نثر، بیشترین عناوین انتخابی در این شیوه آثار نثر هستند تا نظم. هر چند این نوع سجع و تناسب لفظی به لحاظ عربی بودن عناوین و محدودیت عبارت به کاررفته در عنوان با نوع سجعی که در درون متن‌های فارسی به کار می‌رود متفاوت است.

رمزگان، ارزش نشانه‌ای می‌گیرند: اول زبان و دوم رمزگان هنری و قرارداد نام‌گذاری متون هنری. در این حالت نام هم در هم‌نشینی با لایه‌های دیگر بار ارزشی خود را به آن‌ها منتقل می‌کند و هم از آن‌ها متأثر می‌شود» (سجودی، ۱۳۸۸: ۲۲۱). در موارد قابل توجهی در نام‌گذاری متون در هر دوره یا نوع ادبی جریان هنری و ادبی خاصی شکل می‌گیرد که هم تأثیرگذاری‌ها و هم تأثیرپذیری‌های را می‌توان مشاهده کرد. بر همین اساس در این بخش به نحوه شکل‌گیری رمزگان هنری در عناوین هر دوره و نوع ادبی اشاره می‌گردد. بر همین اساس با انتخاب نمونه‌هایی از بلاغت‌های به کاررفته در عنوان متون نظم و نثر، با نگاه انتقادی به ارزش‌گذاری آن‌ها می‌پردازیم تا از این رهگذر به لایه‌های بلاغی پنهان در برخی عناوین پی‌ببریم. همچنین به آسیب‌های ناشی از توجه صرف به کاربرد بلاغت در عنوان بدون توجه به جنبه‌های دلالت و ارتباط عنوان با متن، اشاره شده است تا مشخص شود آیا نویسنده بلاغت را در خدمت عنوان قرار داده است و یا عنوان در خدمت بلاغت بوده است؟ همچنین در این بخش با بررسی عناوین سبک‌های موضوعی متفاوت از نظر به کارگیری جنبه‌های بلاغی به ارتباط نوع متن و گونه بلاغت به کاررفته در عنوان و الگوهای بلاغی پُرسامد در نام‌گذاری هریک از این آثار می‌پردازیم.

در این پژوهش با پرداختن به نمونه‌هایی از شیوه‌های بلاغی به کاررفته در عناوین مشخص می‌گردد که آیا صاحب اثر در کاربرد شیوه‌های مورد نظر خود در عنوان موفق بوده است یا خیر. بر این اساس ابتدا به نمونه‌هایی از شیوه‌های بلاغی به کاررفته در عنوان بر اساس نوع بلاغت استفاده شده می‌پردازیم و نمونه‌هایی موفق و ناموفق را در نام‌گذاری آثار با استفاده از شیوه‌های بلاغی را مشخص می‌کنیم.

۱-۱-۱-۶. عناوین مسجّع بلیغ

داشتن تناسب لفظی و قرینه‌سازی در عنوان سبب احساس لذت می‌شود. برخی از نظریه‌پردازان حوزه بلاغت معتقدند که تناسب، اساس ادراک زیبایی است؛ زیرا به وحدت و انسجام متن کمک می‌کند (شفیعی کدکنی: ۱۳۸۸: ۹۵). در این عناوین سجع به عنوان عامل ایجاد تناسب در خدمت عنوان و توصیف محتوای اثر است و به بلیغ بودن عنوان کمک می‌کند و سجع در خدمت توضیح بیشتر موضوع متن است به گونه‌ای که گویا به قول جرجانی زیبایی آن از آن رو است که از آوردن آن گریزی نبوده است (ر.ک جرجانی، ۱۳۷۴: ۵). در عناوینی از قبیل اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید، الأبنیه عن حقایق الادویه، المعجم فی معاییر الاشعار العجم، التفهیم لاوائل الصناعه التنجیم، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، اوراد الاحباب و فصوص الآداب، حدایق السحر فی دقایق الشعر، حرز الامان من فتن الزمان، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز.

با توجه به این عناوین درمی‌یابیم که بلاغت در خدمت انتقال پیام و محتوای اثر قرار دارد و تناسب‌ها و الفاظ به دور از آرایش‌گری مصنوع در روند طبیعی کلام و در خدمت معرفی متن هستند و خواننده را مستقیم به سوی موضوع متن دلالت می‌دهند به گونه‌ای که نبود بخشی از عنوان اصل رسانگی عنوان را دچار خدشه می‌سازد.

۲-۱-۱-۶. عناوین مسجّع غیر بلیغ

در مواردی از نام‌گذاری‌ها به جهت تکلف و تصنع بیش از حد و یا گنجاندن عوامل فرامتن از قبیل اصرار بر گنجاندن نام حاکم یا نویسنده و یا استفاده از استعاره‌های بعید و الفاظ غریب، عنوان از دلالت و بلاغت دور شده‌است و به همین جهت در برخی موارد مخاطبان و گاه خود مؤلف به این

امر واقف گشته و با گذشت زمان عنوان دیگری بر آن برگزیده‌اند و یا غالباً در زیر عنوان توضیحی برای معرفی اثر لازم می‌گردد. عناوین زیر مصداق این نوع از کاربرد سجع هستند:

تجزیه الأمصار و تجزیه الأعصار^۳ (تاریخ و صاف) اثر عبدالله شیرازی ملقب به و صاف الحضرة

الأوامر العلائیه فی الأمور العلائیه^۴ (تاریخ ابن بی بی)

دُرّه التاج لُغَرّه الدباج^۵ (انموذج العلوم/ انبان ملا قطب) اثر قطب الدین شیرازی

مُسامره الاخبار و مُسایره الاخیار^۶ نوشته کریم آقسرایبی در تاریخ سلاجقه

سَمَطُ العلی للحضرة العلیا^۷ اثر منشی کرمانی در تاریخ کرمان و ملوک قراختائی

تجربه الاحرار و تسلیه الابرار از مفتون دنبلی در شرح حال برخی از علما و کریم‌خان زند.

همان‌گونه که از عناوین ذکر شده در این بخش برمی‌آید نویسندگان آن‌چنان به تناسب‌های لفظی

اعم از سجع، جناس، ترصیع و ... پرداخته‌اند که از بیان و اشاره به اصل موضوع و محتوای اثر غافل

شده‌اند. در این نوع عناوین بر خلاف دسته اول، چون اطناب آن در جهت توضیح و تفسیر محتوا و

در خدمت اطلاع رسانی قرار نمی‌گیرد، خود مصداق اطناب مُمَل خواهد بود که خود به خود آن

را از رسایی و رسانگی دور می‌سازد که در حقیقت بلاغت در خدمت عنوان نیست بلکه عنوان در

خدمت بلاغت قرار گرفته‌است و نویسنده توفیقی در انتخاب عنوان هنری و مناسب به دست

نیآورده‌است. به قول جرجانی «کسی که لفظ را بر معنی چیره سازد زبان را از جهت طبیعی خود

خارج کرده‌است؛ زیرا الفاظ خدمتگزاران معانی‌اند و معانی زمام الفاظ را به کف گرفته و سزوار

فرمانروایی بر الفاظ هستند» (جرجانی، ۱۳۷۴: ۴).

عنوان مانند ناظر و منظور، مفید للمستفید، سلک السلوک. در عنوان منظومه عاشقانه ناظر و منظور که عنوان برگرفته از نام عاشق و معشوق است و به شیوه جناس اشتقاق نام گذاری شده است، دلالت عنوان به متن رعایت شده است اما در عنوان مفید للمستفید به واسطه ایجاز و عدم اشاره به موضوع از دلالت دور شده است.

۲-۶. شگردهای بدیع معنوی

۱-۲-۶. ایهام (اتفاق)

کاربرد این آرایه در نام آثار معمولاً این گونه است که واژه در عنوان به شیوه ای آورده می شود که ابتدا معنی لغوی آن به ذهن متبادر شود و در مرحله بعد درمی یابیم که با نام صاحب اثر و یا ممدوح و حامی اثر نیز تناسب دارد (شریفی، ۱۳۸۷: ۸۶). برخی از نویسندگان از این صنعت بدیعی به شیوه هنرمندانه در نام گذاری استفاده کرده اند به گونه ای که یک واژه از عنوان با نام نویسنده یا حاکم و حامی اثر نیز تناسب دارد و غیرمستقیم هر دو جانب موضوع رعایت می شود و ذهن بر سر دو راهی انتخاب قرار می گیرد.^۱

کاربست ایهام به عنوان یک صنعت ادبی بیشتر در جهت ابهام آفرینی و چندمعنایی است و کاربرد آن در عنوان اثر که بیشتر جنبه معرفی و اطلاع رسانی دارد، به ویژه در متون غیرادبی نوعی نقض غرض محسوب می گردد با این حال یکی از صنایع پرکاربرد در عناوین، ایهام و ایهام تناسب است زیرا نویسندگان اغلب برای گنجاندن نام خود یا ممدوح از این شیوه استفاده می کردند تا با در نظر گرفتن هر دو وجه معنا به اهداف خود در عنوان دست یابد.^۲ در عناوین ایهامی نوع رابطه دال و مدلول رابطه یک به یک نیست و یک نشانه به دو مدلول دلالت می کنند که در ایهام تناسب یکی از مدلولها جنبه انحرافی دارد.

این نوع عنوانها به سبب این که منجر به تعقید کلام می شود «برای آن ناپسند است که مخاطب را بیش از آن اندازه که لازم است به فکر محتاج کرده و او را در سوء دلالت به زحمت انداخته است» (همان: ۸۳).

با توجه به این که به تدریج از قرن پنجم به بعد نثر رو به دشواری نهاد، عناوین آثار نیز به پیروی از نثر متکلف و مصنوع به این سمت و سو حرکت کردند. بیشتر این عناوین به سبب داشتن تکلف و اطناب با گذشت زمان مشمول تغییر شدند تا دلالتی که بین عنوان به منزله یک نشانه و متن به عنوان مدلول دچار خدشه شده بود، از این طریق بازسازی شود.

۲-۱-۶. ازدواج

یکی از شگردها در حوزه بدیع لفظی، ازدواج است که استفاده از دو سجع متوازی یا مُطَرَف در کنار هم یا نزدیک به هم است (کزازی، ۱۳۸۹: ۴۷). برخی از نویسندگان در عناوین از این شیوه ادبی بهره برده اند. عناوینی مانند کافیه القافیه، منشأ الانشاء، عتبه الکتبه، لطایف الطوائف و نفايس الانفاس. در بیشتر این موارد علاوه بر جنبه بلاغی - جز در عنوان عتبه الکتبه که ساختار استعاری دارد- در ارتباط با موضوع متن و دارای دلالت لازم هستند.

۳-۱-۶. جناس

بسامد این شیوه بدیعی در عناوین به گستردگی سجع و ترصیع نیست و نوع جناس هم در بیشتر موارد از نوع جناس اشتقاق است. این شگرد بلاغی نسبت به سجع و ترصیع بسامد بسیار پائینی دارد. مانند الأوامر العَلائیه فی الأمور العَلائیه که العَلائیه اول اشاره به علاءالدین کیقباد از سلاجقه روم و العَلائیه دوم در معنی امور بزرگ و مهم باهم جناس تام می سازند که فاقد جنبه هنری و رسایی است و نمونه جناس های اشتقاقی به کاررفته در

۶-۲-۱-۱. ایهام هنری

در این نمونه‌ها شاعر و نویسنده به‌گونه‌ای واژه ایهام را به کار می‌برد که جنبه اطلاع‌رسانی عنوان به شکل هنرمندانه حفظ می‌شود و ذهن مخاطب ابتدا به محتوای اثر می‌رود و در مرتبه دوم با دقت بیشتر در نام نویسنده و یا حامی اثر و ممدوح به وجه دوم معنا که در عنوان پنهان شده‌است متمایل می‌گردد؛ این چند پهلویی اگر در رسانگی عنوان خللی ایجاد نکند ابزار زیبایی آفرینی مناسبی برای عنوان خواهد بود نمونه‌هایی مانند:

احسن الدعوات: این کتاب مجموعه دعا-هایی است که صاحب اثر جمع‌آوری و ترجمه کرده‌است. در نگاه اول این عنوان در مفهوم بهترین دعاهاست که با محتوای متن مطابقت کامل دارد اما در مقدمه کتاب آمده‌است که این کار به دستور احسن الله ملقب به ظفرخان ترجمه شده‌است و مؤلف با ذوق ادبی خود هم نام ممدوح و حامی را حفظ کرده‌است و هم جنبه دلالتی عنوان حفظ گردیده‌است.

رمز الحقایق: کتابی است عرفانی در بیان رموز حقایق عرفانی اثر رمزی کاشانی که جدای از ارزش محتوایی کتاب به خوبی از اسم نویسنده در عنوان بهره برده‌است.

احسن التواریخ نوشته حسن روملو نویسنده نام خود را به صورت هوشمندانه در عنوان قرار داده-است و محتوای اثر خود را بهترین تاریخ‌ها معرفی کرده‌است. البته این نوع ایهام از نوع تناسب است و بسیار هنرمندانه به کاررفته‌است و برای دریافت آن دقت زیادی لازم است^{۱۰}.

اخلاق محتشمی: عنوان کتاب در نگاه اول دلالت بر معرفی اخلاق محتشمی داشتن است اما از آن جا که خواجه نصیر، این کتاب را برای خواجه ناصرالدین عبدالرحیم بن ابی منصور محتشم قهستان تألیف کرده، به این نام شهرت

یافته‌است. اما در مقایسه با کتاب دیگرش *اخلاق ناصری* بار معنایی ایهامی نیز دارد که در مفهوم مصدری واژه محتشمی نهفته‌است.

مختصر مفید: کتابی به اختصار در تاریخ نوشته محمد مفید که نویسنده نام خود را هنرمندانه با ساختار متن که اختصاری بودن آن است و نه محتوا هماهنگ کرده‌است و تناسب هنرمندانه‌ای بین نام خود و عنوان اثرش ایجاد کرده‌است.

دستور الوزراء: کتابی در شرح حال وزرا در این عنوان واژه دستور هم به معنی وزیر با وزرا تناسب دارد و هم در معنی معنی اصول و قواعد وزارت با محتوای اثر هماهنگ است.

۶-۲-۱-۲. ایهام غیرهنری

در برخی از عناوین به واسطه کاربرد غیرهنری ایهام بر ایهام عنوان افزوده می‌شود به گونه‌ای که هیچ تناسبی با محتوای اثر در آن دیده نمی‌شود. در نمونه‌های زیر نویسنده به دنبال انتخاب عنوان بدیعی بوده‌است اما به واسطه آسیب دیدن رابطه دال و مدلول توفیقی کسب نکرده‌است. در این‌گونه از عناوین نشانه‌های قراردادی در مفهومی بسیار دورتر و با واسطه‌هایی غریب به مدلول ختم می‌شوند و ذهن مخاطب در عین شگفتی این نوع ارتباط را نمی‌پذیرد.

صُحُف ابراهیم: این عنوان در نشانه قراردادی و شناخته شده خود بر یک کتاب دینی دلالت دارد اما در موضوع بحث ما عنوان اثری است در تذکره شاعران و بین عنوان و محتوای اثر تناسبی نمی‌یابیم و این از آن جهت است که صاحب اثر تنها به دنبال ایجاد تناسب‌ها بوده‌است که به آن‌ها اشاره می‌شود؛ تناسب اول این که مؤلف اثر علی ابراهیم خان خلیل است که نام ابراهیم ابتدا به خود او برمی‌گردد؛ حالت دوم این کتاب در زمان ابراهیم شاه، والی بیچاپور، نوشته شده و به او

تقدیم شده است؛ در حالت سوم کلمه *صُحُفْ* عمداً به جهت تناسب با حضرت ابراهیم (ع) انتخاب شده است که در قرآن نیز به آن اشاره شده است و تنها نشانه‌ای که در عنوان دیده نمی‌شود معرفی متن است.

گلزار ابراهیم: این عنوان نیز مربوط به کتابی از ابراهیم خان خلیل است که در تاریخ ابراهیم عادل شاه ثانی نوشته شده است. آوردن کلمه *گلزار* در عنوان به جهت تناسب با حضرت ابراهیم (ع) است که مانند عنوان قبل می‌توان از واژه ابراهیم به دلیل تناسبش با نام نویسنده، حاکم دوران و واژه *گلزار* سه رابطه تناسبی دریافت کرد جز اشاره به محتوای اثر.

سرو آزاد: کتابی است با موضوع تذکره شاعران که آزاد بلگرامی متخلص به «سرو» تألیف کرده است. آن چه از این عنوان مشخص است این است که نویسنده تنها به دنبال یافتن واژه‌ای بوده است تا با تخلص خود تناسب داشته باشد تا در عنوان قرار دهد و تنها لفظ در دسترس و متناسب با واژه سرو صفت آزاد بوده است مخاطب دلالتی بی‌نشانه عنوان و متن نمی‌یابد.

فوز عظیم: اثری در قالب مثنوی در باب خلقت و طبیعت انسان نوشته عظیمای نیشابوری که این ترکیب قرآنی به شکل ایهامی که یک وجه آن جنبه تلمیح به آیه ۱۳ سوره نساء است، که این انتخاب صرفاً به جهت نام شاعر انتخاب شده است و ارتباطی به موضوع اثر ندارد.

شاهد صادق: کتابی در اخلاق و حکمت نوشته میرزا محمد صادق اصفهانی که قرار گرفتن واژه شاهد در عنوان، تنها به دلیل متناسب بودن با نام نویسنده، به عنوان اضافه شده است و از این عنوان به دلیل دلالت ضعیف به محتوای اثر نمی‌رسیم.

انوار سهیلی: اثر کاشفی سبزواری عنوان متنی بازنویسی شده از داستان‌های کلیله و دمنه است به

شیخ احمد سهیلی از امرای عهد سلطان حسین بایقرا تقدیم شده است و واژه انوار تنها برای تناسب ظاهری با نام امیر مورد نظر (سهیل) در عنوان گنجانده شده است.

مطلع السعدین و مجمع البحرین: کتاب تاریخی از کمال‌الدین عبد الرزاق که علاوه بر جنبه استعاری عنوان آن، در لفظ سعدین علاوه بر تناسب با مطلع، به لفظ سعید نیز که لقب هر دو امیر، ابوسعید بهادرخان و ابوسعید گورکانی، توجه داشته است. این تناسب‌ها به ابهام بیشتر عنوان منجر شده است.

بینش ابصار: تذکره‌ای است از بینش کشمیری که تأکید نویسنده بر آوردن نام خود در عنوان، منجر به آمدن واژه ابصار در عنوان شده است و عنوان به عنوان نشانه هیچ نشانه‌ای از تذکره بودن اثر ندارد.

آتشکده آذر: انتخاب این عنوان برای یک تذکره ناشی از تأکید نویسنده برای گزینش واژه‌ای بوده است که با اسم مؤلف (آذر بیگدلی) تناسب داشته باشد. در حقیقت نویسنده به نوعی به بازی با الفاظ پرداخته است که این نام‌گذاری در فصل-های کتاب هم اعمال شده مانند شعله، شراره و *برهان قاطع*: عنوان این فرهنگ نیز به جهت رعایت تناسب لفظ قاطع با واژه برهان که نام مؤلف (برهان خلف تبریزی) انتخاب شده است و ترکیب عنوان در لفظ ظاهر ابتدا یک ترکیب وصفی به نظر می‌رسد اما در حقیقت ارجاع نشانه به نام نویسنده است.

تحفه المؤمنین: عنوان کتابی است در داروسازی اثر حکیم مؤمن. تأکید نویسنده بر گنجاندن نام خود در عنوان، دلالت عنوان را از موضوع اثر دور کرده است و تنها بر جنبه هنری آن توجه شده است.

مجمع البحرین: نام اصلی منظومه عاشقانه *ناظر*

فراتر از موضوع کتاب است زیرا در عنوان مبالغه آمیزش جغرافیای همه کره زمین را شامل می‌شود. - *ناسخ التواریخ*: کتابی از محمد تقی سپهر، مورخ عصر ناصری، که اثرگذاری و جایگاهش در حد عنوانش نیست و جدای از این که برخی این کتاب را سترگ و ارزشمند می‌دانند و برخی به سبب برخی لغزش‌های فاحش آن را منسوخ التواریخ می‌نامند (ر.ک. جعفریان، ۱۳۸۳: ۳۶). همچنین محتوای این کتاب ما را از منابع تاریخی دیگر که پیش از این تاریخ نوشته شده‌اند بی‌نیاز نمی‌سازد.

- *اعجاز خسروی*: کتابی در قواعد نگارش از امیر خسرو دهلوی که امروزه فاقد جایگاه ادعایی نویسنده است.

- *تاج الرؤس و غره النفوس*: احمد بن اسحاق قیسری (قیصری) آن را در علم دستور نوشته است.

با نگاه نقادانه امروزی به محتوای این آثار و همچنین جایگاه آنان در بین آثار هم ردیف خود به بزرگ‌نمایی و مبالغه‌آمیز بودن و وجود اغراق در این عناوین پی می‌بریم از طرف دیگر در حالی که این آثار جنبه علمی و آموزشی دارند. کاربرد مبالغه و اغراق در نام‌گذاری این آثار، محتوای علمی آن‌ها را در نگاه مخاطب با چالش روبرو می‌کند.

۳-۲-۶. تناسب

تناسب بین سازه‌ها و ساختار عنوان یک اثر و متن آن اثر، امری لازم و ضروری بوده است. همچنان که مسئله انواع ادبی، خارج از سازه‌ها و طراحی آن متصور نیست؛ از این رو توجه به تناسب عنوان با متن و همچنین تناسب اجزای عنوان با یکدیگر ضرورت پیدا می‌کند. هر چند در موارد زیادی در شیوه نام‌گذاری عناوین، شاعران بیشتر به دنبال رعایت تناسب در واژه‌های عنوان بوده‌اند تا ارتباط

و منظور از کاتبی ترشیزی است که به واسطه خواننده شدن در دو بحر رمل و سریع، به این عنوان انتخاب شده‌است که به واسطه لفظ مجمع در نگاه اول به نظر می‌رسد منظور ترکیب دو دریا است.

همان‌گونه که در این بخش مشاهده شد بیشتر عناوین دلالتی به متن ندارند اما شاعر و یا نویسنده این عناوین را هنری و ادبی و به زعم خود دارای دلالت مناسب می‌شمرده‌اند. این شیوه عنوان‌سازی در دوره سبک هندی به‌ویژه در هندوستان رواج بیشتری داشته‌است.

۲-۲-۶. مبالغه و اغراق

استفاده از صنعت بدیعی مبالغه و اغراق یکی دیگر از شیوه‌های هنری کردن عناوین است که برخی از نویسندگان و شاعران برای بزرگ‌نمایی در معرفی اثر خود از آن در عنوان استفاده می‌کنند تا از این طریق مخاطب را به سوی اثر خود جذب کنند و یا صاحبان قدرت را برای حمایت از اثر ترغیب کنند. این شیوه ادبی در عناوین کتاب‌ها بسامد قابل توجهی داشته‌است، زیرا صاحبان اثر به جنبه تبلیغی این روش اعتقاد زیادی داشته‌اند. البته باید این نکته را در نظر داشته باشیم که برخی از عناوین که امروز از نظر مخاطب اغراق‌آمیز به نظر می‌رسند از دیدگاه برخی از مولفان و یا شاعران، نامی مطابق با واقعیت برای اثرشان بوده‌است و اثر خود را فراتر از آثار دیگران تصور می‌کرده‌اند و یا تصور آن‌ها از جهان و علوم، بسیار متفاوت از تصورات انسان‌های امروزی بوده‌است. اکثر عناوین زیر به جهت ادعایی که فراتر از جایگاه کتاب و توان و مهارت نویسنده بوده‌است، در ردیف عناوین مبالغه‌ای و یا دارای اغراق قرار می‌گیرند.

- *حدود العالم من المغرب الی المشرق*: کتابی از مؤلفی ناشناس که تنها در معرفی جغرافیای سرزمین‌های اسلامی نوشته شده‌است اما عنوان

شده است نل نام عاشق و دمن نام معشوق است. حسن و ناز: منظومه از میر معصوم نامی (ف ۱۰۱۴ هـ.ق.) که به شیوه یوسف و زلیخا سروده شده است.

۲-۳-۲-۶. تناسب غیر هنری

گاهی در عناوین رعایت تناسب صرف بین اجزای عنوان بدون توجه به ارتباط اجزا با محتوای اثر، عنوان را از دلالت دور کرده است و در مواردی نیز خارج شدن از الگوی نام‌گذاری مثنوی‌ها ارتباط ساختاری عنوان با متن را دچار آسیب کرده است. اشجار و اثمار: اثر علاء منجم (ف ۸۰۰ هـ.ق.) در علم نجوم فصل بندی بر اساس شجره و هر شجره به چند ثمره تقسیم شده است این تناسب بین اجزا نسبتی با محتوای اثر ندارد و فقط معرف ساختار اثر است.

قضا و قدر: نام حدود بیست منظومه^{۱۲} با پیکره عاشقانه است اما به جای معرفی متن از طریق شخصیت‌ها که شیوه رایج در این آثار است به حوادث و نوع نگاه اعتقادی به آن‌ها توجه دارد.

شور خیال و رشته گوهر: هر دو سروده بینش کشمیری (ف ۱۰۸۵ هـ.ق.) که اولی به تقلید از خسرو و شیرین نظامی و دومی به تقلید از هفت پیکر نظامی سروده شده است.

۴-۲-۶. تضاد

استفاده از آرایه تضاد در متون ادب فارسی گسترده نیست و اغلب از این شیوه در منظومه‌ها برای نشان دادن تقابل دو شخصیت و یا دو مضمون متضاد استفاده شده است.

۱-۴-۲-۶. تضاد هنری

استفاده از تضاد در عنوان منظومه‌ها با توجه به تقابل شخصیت‌ها و یا فضای منظومه تناسب دارد، زیرا از این طریق ما با فضای کلی داستان و

و تناسب عنوان با موضوع و محتوای اثر. از این رو برخی عناوین این بخش فاقد نشانگی لازم برای معرفی متن هستند.

۱-۳-۲-۶. تناسب هنری

در میان عناوین متون نظم و نثر این صنعت بدیعی بیشترین بسامد را در عنوان منظومه‌های عاشقانه دارد؛ زیرا بیشتر این عناوین با توجه به شخصیت‌ها و تناسب با ویژگی شخصیت‌های داستان و در تناسب با یکدیگر انتخاب می‌شوند. هرچند به واسطه تکرار این مضامین در آثار ادبی بعدی، آن اثرگذاری و جذابیت هنری اولیه را ندارند. نمونه‌های زیر بر اساس رعایت تناسب بین اجزای عنوان و همچنین تناسب با اجزای متن انتخاب شده‌اند.

سرو و تذرو: اثر نثاری تونی (ف ۹۶۸ هـ.ق.) سرو خادم پادشاه یمن و تذرو پسر پادشاه است. گل و نوروز: اثر خواجه کرمانی (ف ۷۵۲ هـ.ق.) در توصیف عشق شاهزاده‌ای به نام نوروز و گل دختر پادشاه روم.

جمشید و خورشید: اثر سلمان ساوجی (ف ۷۷۸ هـ.ق.) داستان جمشید پسر خاقان چین و خورشید دختر قیصر روم.

سوز و گداز: اثر نوعی خبوشانی (ف ۱۰۱۹ هـ.ق.) در سرگذشت زنی هندو که پس از مرگ شوهر، او را نیز در آتش می‌سوزانند.

آذر و سمندر: مثنوی عرفانی سروده زلالی خوانساری (ف ۱۰۲۴ هـ.ق.) به شیوه لیلی و مجنون.

مهر و محبت: منظومه عاشقانه از شفاپی اصفهانی که به تأثیر محبت در عشق اشاره دارد.

نل و دمن: سروده فیضی فیاضی (ف ۱۰۰۴ هـ.ق.)، این اثر ترجمه‌ای از مهابهارات هندوان است و به تقلید از لیلی و مجنون نظامی سروده

۶-۲-۵-۱. تلمیح هنری

عناوینی که اشارات تلمیحی آن‌ها با متن هماهنگ و سازگار است. بیشتر این تلمیحات اشاره به مضامین قرآنی و دینی است و در مرتبه‌های بعدی اشاره به عناصر باستانی و شعر است. در این عناوین نویسندگان و شاعران مخاطب را به نکاتی ارجاع می‌دهند که در نزد اهل مطالعه شناخته شده‌اند تا از این طریق و کمک گرفتن از پیش‌آگاهی خوانندگان توجه آن‌ها را به سوی متن جلب کنند. بیشترین کاربرد تلمیح مربوط به عناوین متون دینی و عرفانی است و بیشترین ارجاعات نیز مربوط به آیات قرآن. نام‌های زیر نمونه‌هایی از کاربرست هنری تلمیح در عناوین هستند.

ملتقی البحرین: در تفسیر قرآن نوشته علاءالدین شاهرودی بسطامی (ت ۸۳۰هـ.ق.) که برگرفته از آیه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» (الرحمن: ۱۹) است.

ام الكتاب: اثری عرفانی از احمد رومی (ت ۶۷۵هـ.ق.) به آیه «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرٌ مُتَشَبِهَاتٌ...» (سوره آل عمران: ۷).

احسن القصص: عنوان چندین کتاب^{۱۳} با موضوع تفسیر سوره یوسف (ع) با اشاره به آیه «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْعَافِينَ» (یوسف: ۳).

مرصادالعباد من المبدأ إلى المعاد: متنی عرفانی از نجم رازی (ف ۶۵۴هـ.ق.) با اشاره به آیه «إِنْ رَبِّكَ لَبِالْمِرْصَادِ» (فجر: ۱۴).

طور معرفت^{۱۴}: عنوان منظومه رمزی، تمثیلی و عرفانی از بیدل دهلوی (ف ۱۱۳۳هـ.ق.) که عنوان انتخابی با اشاره به واقعه کوه طور و گفتگوی خدا با حضرت موسی (ع) که در عرفان اشارات زیادی به آن صورت می‌گیرد، انتخاب شده است. همچنین

همچنین نوع تقابلیها آشنا می‌شویم.

ناز و نیاز: سروده ضمیری اصفهانی (ف ۹۷۳هـ.ق.) که از نام دو شخصیت اصلی منظومه و متناسب با رفتار عاشق و معشوق انتخاب شده است.

ذره و خورشید: اثر زلالی خوانساری (ف ۱۰۲۵هـ.ق.) در برابر سبحة الابرار جامی.

پیر و جوان: منظومه‌ای از میرزا نصیر اصفهانی (ف ۱۱۹۲هـ.ق.).

۶-۲-۴-۲. تضاد غیرهنری

گاهی انتخاب واژگان متضاد برای عناوین فاقد جنبه هنری و حتی اطلاع‌رسانی است. در این عناوین تضاد به‌کاررفته به واسطه کلی بودن، فاقد جذابیت هنری است و توجیهی هم برای انتخاب عنوان به نظر نمی‌رسد.

- خزان و بهار: منظومه عاشقانه از ضمیری اصفهانی که هیچ اطلاعی حتی از نام شخصیت‌ها به مخاطب نمی‌دهد.

- کلیات و جزویات (چهل ناموس): اثری در - باره جسم انسان نوشته ضیاء نخشی (ق ۸هـ.ق.) به دلیل کلی بودن عنوان این نسبت تضادی در عنوان به محتوا ارتباطی پیدا نمی‌کند.

۶-۲-۵. تلمیح

در تعریف تلمیح گفته شده است اشاراتی است در متن به بخشی از دانسته‌های تاریخی، اساطیری و فرهنگی و ادبی خواننده (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۳۱۰). در استفاده از این شیوه بدیعی شاعر یا نویسنده در عنوان از واژه‌هایی استفاده می‌کند که به موضوعی از مباحث فوق اشاره دارد.

بیشترین تلمیحات به‌کاررفته در عناوین به ترتیب از این سه حوزه زیر انتخاب شده‌اند. ۱) تلمیح قرآنی و حدیثی (دینی)؛ ۲) تلمیح به عناصر باستانی و ملی؛ ۳) تلمیح به شعرهای شاخص.

به آیه «وَطُورِ سِينِينَ» (التین: ۳). لغت موران: رساله‌ای است عرفانی از شهاب الدین سهروردی (ف ۵۸۷ هـ ق). با اشاره به سوره نمل.

شمع دل‌افروز: عنوان اثری از بدری کشمیری (ف ۱۰۰۱ هـ ق). با تلمیح به بیت حافظ: یارب این شمع دل‌افروز ز کاشانه کیست جان ما سوخت بپرسید که جانانه کیست (همان: ۹۴)

صغیر سیمرغ: متن عرفانی از شهاب‌الدین سهروردی (ف ۵۸۷ هـ ق). با اشاره به حضور سیمرغ در اساطیر باستان و شاهنامه. جام جم: مثنوی عرفانی از اوحدی مراغه‌ای (ف ۷۳۸ هـ ق). با اشاره به اساطیر باستان و شاهنامه نام‌گذاری شده است.

(همان: ۲۳۷) انتخاب شده است.

سحر حلال: عنوان منظومه‌ای از اهلی شیرازی (ف ۹۴۲ هـ ق). که تلمیح به سخن پیامبر (ص) «انّ من البیان لسحرا» دارد.

جام جمشیدی: عنوان منظومه‌ای از عبدی بیگ شیرازی (ف ۹۸۸ هـ ق). که با تلمیحی به بخش اساطیری شاهنامه انتخاب شده است.

فوز عظیم: عنوان مثنوی‌ای در نعت پیامبر (ص) و ستایش امیرالمؤمنین و ائمه اطهار (ع) و خلقت انسان سروده و تنها به واسطه نام مؤلف که عظیمای نیشابوری (ف ۱۱۱۱ هـ ق) است و به واسطه شباهت لفظی به آیه ۷۱ سوره احزاب «يُصَلِّحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً» تلمیح شده است.

گلزار ابراهیم: کتابی نوشته ابراهیم خان خلیل (ف ۱۲۰۸ هـ ق). در تاریخ ابراهیم عادل شاه که عنوان آن با تلمیح به واقعه در آتش افکندن ابراهیم و گلستان شدن آتش بر او انتخاب شده است.

۳-۶. کاربست بیان در عناوین

۱-۳-۶. تشبیه

در استفاده از تشبیه برای نام‌گذاری کتاب‌ها تنها از الگوی تشبیه بلیغ اضافی استفاده شده است؛ با ذکر این تفاوت که این ساختار تشبیهی استعاره‌ای هم

۲-۵-۲-۶. تلمیح غیر هنری

گاه در عناوینی که نویسندگان از تلمیح استفاده کرده‌اند یافتن دلالت بین عنوان (دال) و متن (مدلول) دشوار و گاه غیر ممکن است و جز حیرت و سرگردانی مخاطب نتیجه‌ای ندارد. عناوین زیر به دلیل استفاده نامناسب از تلمیح فاقد زیبایی هنری هستند:

ید بیضا: کتابی در موضوع تذکره شاعران از آزاد بلگرامی (ف ۱۲۰۰ هـ ق). اگر از این تلمیح حتی مفهوم استعاری برای تذکره باشد باز هم فاقد جنبه زیبایی‌شناسانه است و نوعی ترک ادب شرعی محسوب می‌شود زیرا به نظر می‌رسد اثر خود را در حد اعجاز حضرت موسی (ع) دانسته است و عنوان تناسبی با موضوع ندارد.

مطلع الفجر: عنوان اثری در قالب مثنوی از بدری کشمیری (ف ۱۰۰۱ هـ ق). با اشاره به آیه قرآن (قدر: ۷).

آیین شاهمی^{۱۵}: عنوان اثری اخلاقی از ملا محسن فیض کاشانی (ف ۱۰۹۰ هـ ق). که با تلمیح به بیت حافظ:

دل که آیین شاهمی است غباری دارد

از خدا می‌طلبم صحبت روشن رای
(حافظ، ۱۳۷۰: ۶۷۰) نام‌گذاری شده است.^{۱۶}

خیال و شور و هیجان بر احوال مؤلف بیشتر چیره شود، نظام استعاری متن گسترده‌تر می‌شود و میزان کاربرد صناعات بلاغی افزایش می‌یابد» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۹).

در انتخاب عناوین «انتخاب جانشین استعاری مبتنی بر اصل تشابه یا هم ارزی است که خود حاوی بار عاطفی و ارزشی غنی‌ای است که هم بیان و هم دریافت آن، متأثر از بافت فرهنگی کاربرد زبان است.» (سجودی، ۱۳۹۰: ۵۶). استعاره رکن اساسی خلاقیت و نمود ویژه فردیت هنری مؤلف است و با هدف انگیزش و اقناع و برانگیختن مخاطب مورد استفاده قرار می‌گیرد (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۳۹ و ۳۴۳).

در کاربرد استعاره در عنوان معمولاً قرینه صارف‌های جز محتوای اثر نداریم یعنی پس از تورق و بررسی متن پی به دلالت عنوان می‌بریم یعنی برخلاف کارکرد عنوان‌های غیراستعاری که مخاطب را به متن ارجاع می‌دهد در این گونه عناوین متن است که ما را به مضمون عنوان دلالت می‌دهد؛ مگر در مواردی که به علت کاربرد فراوان یک استعاره ذهن مخاطب به شیوه خودکار زبان به مفهوم استعاری دلالت داده می‌شود همانند آنچه در استعاره‌های عرفانی یا مضامین عاشقانه دیده می‌شود. در باب اهمیت عنوان‌های استعاری و تأثیر آن‌ها بر فهم متن‌ها پُل ریکور (Paul Ricœur) ۱۹۱۳-۲۰۰۵ م.)، فیلسوف و ادیب فرانسوی، می‌گوید: «فهم استعاره کلید فهم متن‌های بزرگتر است و فهم اثر به شکل کلی است که کلید استعاره را به دست می‌دهد. استعاره‌ها از نوع خرده‌متن‌ها هستند چنان که متن‌ها نیز از انواع کلان‌متن‌ها هستند و استعاره، هدف یا فرصتی است برای فهم» (واینسهایمر، ۱۳۹۰: ۳۰۷). با توجه به این نکته که نوع استعاره‌های به‌کاررفته در عنوان آثار دینی و عرفانی، نوع جهان‌بینی خاص و بینش نویسنده را

در درون خود دارد و مجموع اضافه تشبیهی نقش استعاری برای کتاب ایفا می‌کند؛ زیرا عنوان انتخابی استعاره‌ای از محتوا و متن کتاب است. یعنی هنگامی که به رابطه دو بخش ترکیب می‌پردازیم بین آن‌ها رابطه تشبیهی دیده می‌شود اما وقتی به رابطه عنوان و متن توجه کنیم مجموع ترکیب، استعاره‌ای از متن اثر خواهد بود که متن به منزله مشبه و عنوان به منزله مشبه‌به است.

عناوینی از قبیل طور معرفت از بیدل دهلوی (ف ۱۱۳۳ هـ ق.)، بحر الاسرار (سبع‌المثانی) تفسیر منظوم عرفانی سوره حمد، در قالب مثنوی از مظفرعلیشاه کرمانی (ف ۱۲۱۵ هـ ق.) است، کنوز حکمت^{۱۷} اثر تنکوشای بابلی، بحرالحقایق منظومه تعلیمی عرفانی اثر صفی‌علیشاه (۱۳۲۰ هـ ق.).

در این نوع از عناوین که بیشتر در حوزه کتاب‌های عرفانی هستند، دلالت عنوان به متن ابتدا از رهگذر تشبیه و سپس از مسیر مفهوم استعاری قابل دریافت است و رابطه دال و مدلول رابطه چند وجهی است.

۲-۳-۶. استعاره

در حالت کاربردی استعاره در نام‌گذاری غالباً عناوین انتخابی، استعاره‌ای از محتویات و کلیت اثر هستند. و این امر از طریق «دلالت ضمنی که معنای مرتبه دومی است که از ساخت واژه به عنوان یک نشانه حاصل می‌شود» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۲۷)، صورت می‌پذیرد. این استعاره‌ها اغلب همگی دارای بار معنایی مثبت و زیبایی‌شناسانه هستند. از آن‌جا که «سبک استعاری مناسب بیان حالات و دریافت‌های شخصی و تخیلی است. براسکسی که تجربه تازه‌ای فراتر از عادات زبانی بیان می‌کند، توسل به استعاره و رمز ناگزیر است؛ زیرا قطب استعاری امکان حرکت ذهن را در عوالم خیال و رؤیا و هیجان‌های عاطفی آماده می‌کند. هرچه

به مخاطب معرفی می‌کند (ر.ک: شمیسا، ۱۳۹۲: ۱۶۲) و یا در عناوین متون تاریخی از واژه‌های استعاری از قبیل دُر، سمط (رشته مروارید)، جواهر، اکسیر، خزاین و معدن استفاده شده‌است که می‌تواند بیانگر ضمیر ناخودآگاه نویسندگان آنها و چشم‌داشت آنها به دریافت پاداش و جوایز از قدرت وقت باشد و این که این اثر دقیقاً ارزش هزینه‌ای را که بابت آن پرداخت می‌شود دارد.

۱-۲-۳-۶. استعاره‌های بلاغی

در عناوین استعاری یک نشانه به صورت اختیاری و یا قراردادی جایگزین نشانه دیگر می‌شود در این گونه از عناوین، انتخاب خلاقانه و هنری نویسنده رابطه تشبیهی ظریفی بین متن و عنوان برقرار می‌کند و مخاطب پس از نگاه به فهرست محتوا به این ارتباط که مورد نظر پدیدآورنده بوده‌است پی می‌برد. بر این اساس عنوان مشابه موجود و متن مشابه محذوف در ساختار استعاری است.

کیمیای سعادت: از نظر غزالی (ف. ق.).
محتوای اثر همچون کیمیایی است جهت سعادت انسان.

نفته المصدور: این عنوان نام با مسمایی بر کتاب نسوی (ف. ۶۴۷ هـ. ق.) است، زیرا در لغت به معنی خلطی است که مبتلا به سینه‌درد، از سینه بیرون می‌افکند و به این‌گونه تنفس خویش را راحت‌تر می‌سازد، و به سخنانی گفته می‌شود که بیانگر دردها و تألمات درونی است و گوینده با آنها به عقده‌گشایی و درددل‌گویی و شکوه‌گری می‌پردازد، و با بیان آنها اندوه درون و عقده‌های دل خویش را کاهش می‌دهد. و موضوع کتاب نفته المصدور بیشتر همین عقده‌گشایی‌ها و درددل‌گویی‌ها و شکوه‌گری‌های حاصل از حمله مغول و تلاش‌های از دسته‌رفته یک قهرمان از دید نویسنده است.

گلستان: سعدی در دیباچه اثر خود به خوبی به علت این نام‌گذاری اشاره کرده‌است و خوانندگان آن را مطابق با ارزش و محتوای اثر یافته‌اند. به‌گونه‌ای که حتی نام اثر دیگر سعدی (سعدی‌نامه) را به قرینه و تناسب این اثر به بوستان تغییر داده‌اند.

گلشن راز: شبستری (ف. ۷۴۰ هـ. ق.) عنوان استعاری زیبایی بر محتوای کتاب که توضیح نمادها و اصطلاحات نمادین عرفانی است، انتخاب کرده‌است.

مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه: از نظر عزالدین محمود کاشانی (ف. ۷۳۵ هـ. ق.) محتوا چون چراغی و کلیدی در خدمت علاقه‌مندان عرفان است.

زاد المسافر: کتابی در حکمت اسماعیلی از ناصر خسرو که دو استعاره در خود دارد یکی مسافر که نگاهی استعاری به انسان است و دومی استعاره از کتاب که مطالب آن همچون توشه‌ای زاد راه او در این جهان است.

معدن اخبار: کتابی تاریخی که از دیدگاه نویسنده، احمد بن بهبل، در حکم معدنی ارزشمند است.

وجه دین: (روی دین) اثر ناصر خسرو در این عنوان برای دین صورت انسانی در نظر گرفته شده‌است.

نمکدان حقیقت: اثر حکیم شفایی (ف. ۱۰۳۸ هـ. ق.) مثنوی‌ای در وزن حدیقه سنایی که در نظر شاعر لطافتش از حدیقه سنایی بیشتر است.

۲-۲-۳-۶. استعاره‌های غیرهنری

در مواردی نویسنده در انتخاب لفظ استعاری برای عنوان به واسطه مضمون‌یابی‌های عجیب و یا تقلید از یک عنوان موفق، از جنبه ارتباط و دلالت غافل می‌شود و صرفاً متفاوت بودن عنوان به چشم می‌آید که یافتن شباهت بین لفظ استعاره و محتوا دشوار است و یا دلالت ضعیفی بر متن دارد.

روضه خللد: متنی از مجد خوافی به تقلید از گلستان که عنوان آن نیز ترجمه عربی از عبارتی از دیباجه گلستان است جایی که سعدی گلستان خود را همیشگی می‌داند.

همان‌گونه که می‌بینیم ایجاد و یا کشف ارتباط بین عنوان استعاری و محتوای اثر در موارد زیادی به سادگی امکان‌پذیر نیست و عنوان را از دلالت دور ساخته‌است.

۶-۳-۳. نماد (رمز)

در تعریف نماد یا رمز گفته می‌شود «رمز چیزی است از جهان شناخته شده و قابل دریافت از طریق حواس که به چیزی از جهان ناشناخته و غیرمحسوس و یا به مفهومی جز مفهوم متعارف و مستقیم خود اشاره کند» (پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۲۳). از همین رو علاوه بر استفاده از نمادها در متن آثار عرفانی، برخی شاعران و نویسندگان از این شیوه بیان هنری برای نام‌گذاری آثار خود نیز استفاده کرده‌اند و علاوه بر فارسی بودن واژگان نمادها، استفاده از واژگان متعلق به اساطیر ملی به پیوند و هماهنگی میان عناصر اساطیری ایرانی و اسلامی در حکمت اشراق اشاره دارد (همان: ۱۹۴) که علاوه بر نشان دادن ظرفیت زبان فارسی در بیان نمادین مفاهیم عرفانی به پیشینه کهن این نمادها نیز اشاره دارد.

در متون کهن، عناوین نمادین غالباً در متون عرفانی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ زیرا قابلیت تأویل مضامین عرفانی را دارند و در بیان حالات و توضیح مفاهیم عرفانی، روشی پذیرفته شده برای انتقال این مضامین به مخاطبان این مفاهیم است.

۶-۳-۱. نمادهای هنری

در عناوین متون عرفانی اغلب نمادهای استفاده شده هنری وظیفه دلالت و رسانگی خود را به خوبی ایفا می‌کنند؛ این امر شاید به واسطه تکرار

نمونه‌های زیر عناوینی هستند که به خاطر انتخاب استعاره‌های نامرتبط با موضوع متن فاقد زیبایی هنری هستند.

سرمه سلیمانی^{۱۸}: در موضوع فرهنگ لغت اثر اوحدی بلیانی، که عنوان برای یک فرهنگ لغت که عنوان آن هیچ تناسبی با محتوای آن ندارد و فاقد رسانگی لازم است.

آفتاب عالم‌تاب: تذکره‌ای از محمد صادق اختر در معرفی حدود چهار هزار شاعر.

بتخانه: انتخاب ۶۰۰۰۰ بیت از شاعران پیشین از صوفی آملی.

اختر تابان: اثر محتشم شروانی بهوپالی تذکره زنان سخنور.

خرابات: از هلاکو میرزای قاجار در تذکره شاعران قرن ۹ تا ۱۱ هجری.

جوهر العجایب: اثر فخری هروی در معرفی ۲۵ تن از زنان شاعر.

سنگ‌لاخ: اثر مهدی خان استرآبادی فرهنگ لغت ترکی به فارسی.

هفت آسمان: تذکره مثنوی سرایان اثر مولوی آغا احمد علی.

چراغ هدایت: عنوان لغت‌نامه‌ای از سراج‌الدین علی خان آرزو.

مصباح الخزاین و مفتاح الدفاین: اثر محمد هاشم طبیب در علم داروشناسی.

شام غریبان: اثر شفیق اورنگ آبادی^{۱۹}، به سال ۱۱۹۷ هـ.ق. نگاشته است. در این تذکره، اسامی ۴۷۴ شاعر ذکر شده که بنا به نوشته مؤلف، از ایران به هند رفته‌اند.

بهارستان: اثر جامی به تقلید از گلستان که حتی ساختار و نوع استعاره عنوان تقلیدی است.

دُرّه نادره: از مهدی خان استرآبادی کتابی در حوادث عصر نادرشاه که علاوه بر جنبه استعاری جنبه ایهامی هم دارد.

۶-۳-۴. آیرونی (Irony)

آیرونی را برخی از پژوهشگران از مجازهای اربعه در بلاغت اروپایی می‌دانند. کلامی که ظاهرش جدی است و معنایی دارد که خلاف مقصود گوینده است. از این شیوه در تقسیم‌بندی بلاغت سنتی در استعاره‌های تَهْکُمِیَّه و عنادیه اثری دیده می‌شود و مؤثرترین شگرد بیانی در برخورد با واقعیت‌های سنگین قلمداد می‌شود (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۱۱ و ۳۱۲). از این شیوه بلاغی که شاید آن را بتوان نوعی مجاز به علاقه عکس (وارونه) محسوب کرد، بیشتر در نام‌گذاری آثار طنز استفاده شده است که استادانه‌ترین نوع آن را در عناوین آثار عبید زاکانی (ف ۷۷۲ هـ ق.) مشاهده می‌کنیم. آیرونی لفظی، تضاد بین یک حالت تقریر شده و معنایی که برای آن تعیین شده است. در مورد آیرونی باید گفت: چیزی که در لایه سطحی گفته می‌شود با چیزی که در لایه‌های زیرین گفته می‌شود نباید یکسان باشد؛ به این ترتیب آیرونی بیان چیزی است که در تقابل با معنای آن است. همچنین گفته شده است: «آیرونی در حقیقت نوعی مجاز وارونگی یا وارونه گویی در واژه، عبارت، جمله یا کل متن است به طوری که معنای کلام عکس ظاهر آن به نظر می‌رسد» (بهره‌مند، ۱۳۸۹: ۲۰).

با نگاه به عناوینی مانند صدپند، اخلاق الاشراف^{۲۰} و رساله تعریفات از عبید زاکانی می‌بینیم، محتوای آثار برخلاف تصویری است که در برخورد اول با این عناوین به ذهن مخاطب می‌رسد و مطالب این آثار ضدپند و توصیه‌های غیراخلاقی است و برخلاف تعریف‌های شناخته شده است و مطابق تعریف آیرونی بلاغی، نظر و لحن عبید در این عناوین، عکس چیزی است که بر زبان آورده است (ر.ک: داد، ۱۳۹۰: ۹).

این مفاهیم در متون عرفانی و در دوره‌های مختلف و انس گرفتن ذهن مخاطبان با این واژگان باشد. جام جم: اثر اوحدی مراغه‌ای (ف ۷۳۸ هـ ق.) در عرفان نماد دل و قلب عارف است که محل تابش و مشاهده انوار جمال الهی است.

منطق الطیر: عطار (ف ۶۱۸ هـ ق.) در این کتاب هریک از پرندگان را نماد یک طبقه اجتماعی قرار می‌دهد.

رساله الطیر: سهروردی (ف ۵۴۹ هـ ق.) طیر (پرنده) را نماد روح زندانی در قفس جسم معرفی می‌کند.

تذکره میخانه: این عنوان نشانه ذوق هنری مؤلف آن عبدالنبی فخرالزمانی (ف ۱۰۴۱ هـ ق.) است؛ زیرا برای کتابی که تذکره ساقی‌نامه‌سرایان است از واژه‌ای استفاده برده است که بسیار با محتوا و ظاهر لفظی آثار تناسب دارد زیرا جایگاه ساقی در میخانه بوده است.

۶-۳-۲. نماد غیر هنری

در برخی از عناوین نمادها متناسب با محتوا و موضوع انتخاب نشده‌اند و دلالت عنوان به متن ضعیف است و دلیل آن شاید عدم استقبال از این نمادها در متون بعدی باشد و یا انتخاب نماد از ابتدا متناسب با پیام و دلالت آن صورت نگرفته است. در عنوان آثار مانند *بهرام* و *بهرروز* از وقار شیرازی (ف ۱۲۹۸ هـ ق.) که *بهرام* نماد شر و *بهرروز* نماد خیر است، *سلامان* و *ابسال* سروده عبدی بیگ شیرازی که *سلامان* نماد نفس ناطقه و *ابسال* نماد تن شهوت پرست است، *گویی* و *چوگان* (حالنامه) اثر عارفی هروی (ف ۸۵۳ هـ ق.) و همچنین اثری از قاسمی گنابادی (ف ۹۸۲ هـ ق.) که در آن *گویی* نماد عاشق و *چوگان* نماد معشوق است. با توجه عناوین و محتوای این آثار به نظر می‌رسد در هر سه مورد نمادها رسانگی لازم را ندارند.

۴-۶. کاربردی معانی در عناوین

۱-۴-۶. اطناب

در شیوه اطناب معمولاً نویسنده عنوانی مفصل و طولانی برای اثر خود برمی‌گزیند تا اثر خود را دقیق‌تر معرفی کند. اگر این معرفی به‌جا و در خدمت معرفی محتوا صورت بگیرد، کارکردی شبیه چکیده‌های امروزی خواهد داشت اما گاهی هدف نویسنده از این اطناب تنها استفاده از تناسب‌های لفظی و آهنگین کردن عنوان و گاه فضل فروشی است که عنوان را از هدف اصلی عنوان دور می‌شود.

۱-۱-۴-۶. اطناب مفید

در این عناوین هدف معرفی دقیق محتوای اثر است و هرچند گاهی فاقد تناسب لفظی رایج است، مخاطب با دقت در عنوان دقیقاً پی به محتوای اثر می‌برد. اطناب در عناوین زیر لازم و ضروری به نظر می‌رسد و نبود هر بخش از عنوان به دلالت آن لطمه می‌زند.

تقدالأنصوص فی شرح الأنصوص اثر جامی، هدایه المتعلمین فی الطب از اخوینی بخارایی، دستورالکاتب فی تعیین المراتب اثر هندو شاه نخجوانی، افضل التذکار فی ذکر الشعراء و الأشعار (تذکره افضل) از افضل مخدوم پیرمستی. در عناوین فوق بخش اول به واسطه کلی بودن دارای ابهام است اما با آمدن بخش دوم، ابهام بخش اول از بین می‌رود.

۲-۱-۴-۶. اطناب غیر مفید (اطناب ممل)

در این نمونه‌ها نویسنده گاه صرفاً به دنبال اظهار فضل و نشان دادن مهارت خود در فنون ادبی است و یا در ذهن خود رابطه هنری جالب با محتوا تصور کرده‌است اما به واسطه عدم صراحت هنری و فقدان رسانگی در این امر ناموفق بوده‌است و

طولانی بودن عنوان به سبب این است که معانی تابع الفاظ افتاده‌است و مصداق «والمکنار مهذار» گردیده‌است (ر.ک: نظامی عروضی، ۱۳۸۰: ۲۱). به همین جهت گاه در ذیل عنوان اضافه کردن توضیحی لازم است و یا عنوانی جایگزین از جانب نویسنده و یا مخاطبین انتخاب می‌شود.

نقایس الفنون فی العرایس العیون اثر شمس الدین محمد آملی دایره المعارفی در علوم مختلف. وسیله المقاصد ال احسن المراصد اثر خطیب رستم الموالی در لغت و دستور زبان فارسی. تجزیه الامصار و ترجیه الاعصار (تاریخ و صاف) در تاریخ مغولان.

الأوامر العلائیه فی الأمور العلائیه (تاریخ ابن بی‌بی) اثر امیر ناصرالدین ملقب به ابن بی‌بی. دُرّه التاج لَعَرّه الدباج (انموذج العلوم) انبان ملا قطب) اثر ملا قطب شیرازی. مُسامره الاخبار و مُسایره الاخیار تألیف محمودین محمد آقسرائی در تاریخ سلاجقه. تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام اثر سید مرتضی بن داعی حسنی رازی در معرفی فرق اسلامی.

۲-۲-۴-۶. ایجاز

ایجاز کوتاهی سخن است در حالی که معانی بسیار در خود داشته باشد. از این نظر عناوین آثار از این نظر که معرف معانی متن هستند می‌توانند در صورت کوتاه و گویا بودن از مقوله ایجاز محسوب شوند.

۱-۲-۴-۶. ایجاز هنری

در ایجاز هنری عناوین در عین کوتاه بودن، دلالت کامل و دقیق به متن دارند و از این نظر بلاغت و رسانگی خود را حفظ کرده‌اند و مصداق سخن «خیر الکلام ما قلّ و دلّ» هستند. اکثر متون حماسی و پهلوانی از این ویژگی بلاغی برخوردار هستند که با کمترین واژه، مضمون و محتوای اثر را معرفی

می‌کنند و نیازی به معرفی بیشتر متن ندارند.

نمونه‌های عناوین ایجاز هنری مانند *نوروزنامه*، *بازنامه*، *فرسنامه*، *فتوت‌نامه*، *گرشاسب‌نامه*، *بهم‌نامه* و... .

در این نوع از عناوین از شیوه ایجاز قصر استفاده شده است.

۶-۴-۲. ایجاز مُخل

گاهی در انتخاب عنوان از جانب نویسندگان و شاعران، عنوان از شدت ایجاز و یا نوع واژگان انتخاب شده برای عنوان، رابطه دال و مدلول بسیار نارسا و فاقد دلالت لازم است به گونه‌ای که عنوان در معرفی محتوای متن ناتوان است. در این عناوین به واسطه کلی بودن عنوان و یا استفاده از ایجاز حذف عنوان از رسایی خارج شده است.

مطلع: اثر رضی‌الدین محمد شفیع که در موضوع عروض و قافیه و صنایع شعری نوشته شده است اما عنوان به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد در متن تنها به بحث مطلع شعرها پرداخته شده است.

فتح‌نامه: اثر ابن همام شیرازی در تفسیر سوره فتح به واسطه انتخاب عنوانی بر اساس الگوی کتاب‌های تاریخ و حماسی و نداشتن توضیح فرعی در عنوان، در دلالت بر موضوع متن نارسا است.

سعادت‌نامه: تذکره‌ای در شرح حال پنج تن از عرفا.

نکات: اثری از بیدل دهلوی در شرح مقامات و مدارج سلوک و بعضی از حقایق عرفانی در ۷۵ نکته. حذف عرفان از عنوان سبب ابهام شده است.

۶-۵. آرکائیسیم (باستان‌گرایی / Archaism)

وجود اصطلاحات مربوط به ایران پیش از اسلام در ادبیات به ویژه در متون عرفانی اعم از شعر و نثر نشانه آن است که فرهنگ و عرفان اسلامی در ایران از دو آبشخور اسلامی و ایرانی بهره برده است؛ یعنی علاوه بر آموزه‌های قرآنی و سیره

بزرگان دین، از حکمت خسروانی که میراث ادیان پیش از اسلام در ایران است تغذیه کرده است، این نکته به وضوح در متن آثار بزرگانی چون شیخ اشراق، روزبهان، عطار، مولوی، حافظ و دیگر بزرگان ادب عرفانی فارسی دیده می‌شود (ر.ک: رضی، ۱۳۷۹: ۴۳۷ و ۴۲۲). به نظر می‌رسد استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به آیین‌های پیش از اسلام در ایران در عناوین کتب فارسی، نشانه سهم معارف ایران باستان در عرفان اسلامی است و از طرفی نوعی مقابله با سنت رایج نام‌گذاری متون فارسی به زبان عربی بوده است که شکل ابتدال به خود گرفته بود. بنابراین می‌توان وجود نام‌هایی از نوع نام‌های زیر را نوعی آشنایی‌زدایی از الگوهای شناخته شده و هنجارگریزی زبان در گزینش عنوان تعبیر کرد. همان‌طور که در نثر صوفیانه، باستان‌گرایی یکی از وجوه پرهیز از ابتدال دانسته شده است (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۷۱). این آشنایی‌زدایی آگاهانه در عناوین را هم باید یکی از جنبه‌های پرهیز از ابتدال رایج در انتخاب عناوین عربی برای متون فارسی بدانیم. «این آشنایی‌زدایی گاه با هدف افزایش زمان ادراک حسی و مقاصد زیبایی‌شناختی همراه است (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۹).»

پس خواننده برای کشف رابطه و دلالت بین عنوان و محتوا تأمل بیشتری باید داشته باشد.

در عناوینی که دارای نشانه باستان‌گرایی هستند واژگان انتخابی بیشتر از عناصر دین زرتشتی و اساطیری انتخاب شده‌اند. عناوینی همچون *کارنامه*^۱، *جام جم*، *صفیر سیمرغ*^۲، *جام گیتی‌نما*، *طاق‌دیس*، *جام کینخسرو*^۳، *جام جمشیدی*^۴، *آتشکده*، *جام جهان بین*^۵.

۷. سبک بلاغی در عناوین متون مختلف

در این بخش بر اساس موضوع و نوع ادبی به بررسی عناوین دو نوع از متون کهن نظم و نثر

مورد اقبال و توجه صاحبان آثار بوده است هدف اصلی آشنایی زدایی از عنوان بوده است تا از این طریق بتوانند توجه مخاطبان را به محتوای اثر و جایگاه آن جلب کنند. در بین شیوه‌های بلاغی مورد استفاده در عناوین در بخش بدیع لفظی رعایت تناسب‌های لفظی همانند سجع و ترصیع بسامد بیشتر دارند و در بدیع معنوی تناسب و ابهام تناسب بیشتر مورد توجه بوده‌اند. در استفاده از فنون علم بیان استفاده از استعاره به لحاظ هنری‌تر بودن، بسامد بالایی دارد و در حوزه علم معانی ایجاز به نسبت اطناب فراگیری بیشتر دارد. کاربرد بلاغت در عنوان همواره منجر به هنری شدن نمی‌شود و گویا گاه تنها متمایز ساختن عنوان نسبت به عناوین دیگر مدنظر بوده است که در موارد قابل توجهی به استفاده ناصحیح و انتخاب نامناسب نوع بلاغت در عنوان منجر شده است که خود عاملی برای ایجاد ابهام و عدم تناسب در دلالت بین متن و عنوان انتخابی گردیده است. مانند عنوان *مرموزات اسدی در مزمورات داودی* عنوان این کتاب از نظر بلاغت در نوع خود پدیده‌ای منحصر به فرد است؛ زیرا شاعر انواع تناسب‌های لفظی و معنوی را در آن گنجانده است اما از این آرایش‌های لفظی و معنوی به کار برده در عنوان خود به سبب آرایش زیاد کلام مقصود اصلی را که معرفی کتاب است گم کرده است. سعی در آوردن نام ممدوح (داود) و نویسنده (اسدی) در عنوان و آوردن واژه‌ای که با آن اسم ممدوح، تناسب ظاهری داشته باشد از قبیل مزمور و زبور بر ابهام عنوان افزوده است. نویسنده، این کتاب را در شهر ارزنجان و به سال ۶۲۱ق، برای داودشاه بن بهرام‌شاه از آل منکوچک، تألیف کرده است. وی، درباره وجه تسمیه کتاب می‌گوید: «چون سخن این ضعیف مبتنی بر مرموزات باشد، خواست تا اسم مطابق مسمی بود و چون تحفه حضرت داودی

فارسی می‌پردازیم تا الگوهای بلاغی به‌کاررفته در عناوین موضوعی را به طور ویژه بررسی کنیم تا از این رهگذر به ارتباط نوع متن و صنایع ادبی استفاده شده در عنوان آثار پی‌ببریم؛ زیرا همان‌گونه که در نوع انتخاب واژگان عناوین می‌توانیم قائل به سبک موضوعی باشیم در نوع انتخاب عناصر زیبایی سخن نیز این امر می‌تواند تا حدود زیادی صادق باشد زیرا با بررسی دو نمونه موضوعی از آثار، این سبک بلاغی متفاوت را مشاهده کنیم. در این بخش در قالب جدول آمار به بسامد سبک بلاغی رایج در هریک از متون با موضوع تاریخ و عرفان با نشان دادن بسامد هر یک می‌پردازیم.

جدول ۱- بسامد بلاغت در عناوین عرفانی

صنعت ادبی	بسامد
استعاره	۱۸٪
نماد	۱۲٪
سجع	۱۱٪
تشبیه	۱۰٪
تلمیح	۹٪
تضمین مزدوج	۴٪
ابهام/ابهام تناسب	۳٪

جدول (۲) بسامد بلاغت در عناوین کتاب‌های تاریخ

آرایه	بسامد
سجع و ترصیع	۲۱٪
استعاره	۲۰٪
ابهام/ابهام تناسب	۱۵٪
اغراق و مبالغه	۱۲٪
تلمیح	۳٪
جناس	۱٪

۸. نتایج پژوهش در بخش بلاغت

با بررسی صورت گرفته در عناوین متون نظم و نثر کهن فارسی مشخص گردید که در متون کهن استفاده از شیوه‌های بلاغی در اکثر متون نظم و نثر

۴. دستورات حاکم علاءالدین کیقباد در امور مهم.
۵. درة التاج لغرة اللباج با نام کوتاه درة التاج دانشنامه‌ای فلسفی به زبان فارسی است و به دست قطب‌الدین شیرازی (۶۳۴-۷۱۰هـ.ق.) به نام و خواهش یک امیر فومنی به نام امیر دباج بن فیله‌شاه بن رستم بن دباج تألیف شده است.
۶. باهم قصه گفتن و با هم رفتن اختیار.
۷. گردنید مروارید عالی برای پیشگاه بزرگ.
۸. همان‌گونه که برخی از شاعران مانند مولوی و ابتهاج از این شیوه در کاربرد تخلص خود نیز بهره برده‌اند که واژه تخلص در موارد زیادی معنی لغوی خود را هم دارد.
۹. در مواردی هر دو معنا به راحتی از عنوان دریافت می‌شود که در این موارد می‌توان نوع ابهام را ذوجهین در نظر گرفت.
۱۰. این نکته و دریافت در مورد ارتباط عنوان کتاب و نام نویسنده در احسن التواریخ از آن جهت تقویت می‌شود که اثر دیگری با همین نام وجود دارد که نام نویسنده آن نیز حسن بن محمد الخکی است.
۱۱. تاج سرها و روشنی (سفیدی) جان‌ها.
۱۲. سرایندگان برخی از این منظومه عبارتند از: سلیم تهرانی (ف ۱۰۵۷هـ.ق.)، طالب آملی (ف ۱۰۳۵هـ.ق.)، کلیم رگنا مسیح (ف ۱۰۶۶هـ.ق.)، اشرف مازندرانی (ف ۱۱۱۶هـ.ق.)، سلیم یزدی (ق ۱۱هـ.ق.) و میر یحیی کاشی (ف ۱۰۶۴هـ.ق.).
۱۳. از معین‌الدین جوینی (ف ۷۸۳هـ.ق.)، شیخ الاسلام (۱۳۳۳ق.) و محمد تقی هروی (۱۳۵۰ق.) (شریفی، ۱۳۸۷: ۸۸).
۱۴. نام دیگر آن گلگشت حقیقت است در آن سیر آفاقی به سیر انفسی رهنمون می‌گردد (شریفی، ۱۳۸۷: ۹۷۷).
۱۵. ترجمه عربی آن ضیاء القلب است.
۱۶. که حافظ نیز این تعبیر را از رباعی مرصاد العباد با مطلع «ای نسخه نامۀ الهی که تویی وی آینه جمال شاهی که تویی» (رازی، ۱۳۸۷: ۳)، اقتباس کرده است.
۱۷. کنوز الحکمه نام تفسیر عرفانی از شیخ احمد جام (ف ۵۳۵هـ.ق.) نیز می‌باشد.
۱۸. سرمه‌ای که چون به چشم کشند مخفیات عالم عیناً و عیاناً معاینه کنند.
۱۹. نام اصلی نویسنده هندی لچهمی ناراین است.

می‌ساخت، خواست تا با مزمورات زبور داودی مناسبتی دارد، این مجموعه را بر ده مزمور بنا افتاد... و نام کتاب بدین مناسبات، «مرموزات اسدی در مزمورات داودی» نهاده آمد» (نجم رازی، ۱۳۸۶: ۳۵).^{۲۶} عنوان این کتاب نمونه‌ای از تزامم تصویرهاست که نشان دهنده توجه ویژه نویسنده است که هم نام نویسنده و حاکم زمان را توأمان با خود دارد و در ساخت آن از مجموعه‌ای از آرایه‌ها استفاده شده است. (سجع، جناس، تلمیح، ایهام تناسب، ترصیع). در حالیکه در مقایسه با عنوان اثر دیگرش یعنی *مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد* فاقد بلاغت و رسانگی در مورد متن است. عوامل فرامتنی نظیر قرار دادن نام حاکمان، تکرار و تقلید از آثار گذشته نیز در شکل‌گیری عناوین مؤثر بوده‌اند که صاحب اثر الگوی بلاغی خود را بر اساس این عوامل به‌کار می‌برده است. در استفاده از شیوه‌های بلاغی، نوع ادبی و محتوای متن با نوع بلاغت به‌کاررفته در عناوین ارتباط مستقیم دارد. (جدول شماره ۱ و ۲) به گونه‌ای که در هر نوع ادبی یک یا چند الگوی بلاغی بسامد بالایی دارند و سبک موضوعی متفاوت در متن منجر به سبک متفاوت بلاغی در عنوان می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور از لفظ بلاغی و بلاغت در این متن کاربری تمام شیوه‌ها و فنون ادبی شامل مباحث بدیع، بیان و معانی است که با هدف هنری ساختن متن و جلب مخاطب به کار گرفته می‌شوند.
۲. در انتخاب عناوین علاوه بر منابع متعدد بیشترین مراجعه و انتخاب از منابع زیر بوده است: صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات ایران*. ۵جلد. تهران: انتشارات فردوس؛ گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳). *تاریخ تذکره‌های فارسی*. دو جلد. تهران: کتابخانه سنایی؛ مدبری، محمود (۱۳۶۴). *فرهنگ کتاب‌های فارسی*. یک جلد دو بخش. تهران: نشر ویس.
۳. نابودی شهرها و گردش روزگار.

اسفندیاری، محمد (۱۳۶۹). «عنوان کتاب و آیین انتخاب آن». بخش اول آیین پژوهش. د. ۱. ش ۲. صص ۴-۱۶.

بخیت، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی دلالت عنوان در شعر شش شاعر فارسی و عربی معاصر. پایان نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس.

بهره مند، زهرا (۱۳۸۹). «آیرونی و تفاوت آن با طنز و صنایع بلاغی مشابه». متن پژوهی ادبی. ۱۴. ش ۴۵. صص ۹-۳۶.

بیهقی، ابوالفضل (۱۳۷۳). تاریخ بیهقی. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: انتشارات مهتاب.

پورنامداریان، تقی (۱۳۸۹). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. چاپ هفتم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

_____ (۱۳۹۱). خانه‌ام ابری است. تهران: انتشارات مروارید.

جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۴). اسرار البلاغه. ترجمه جلیل تجلیل. چاپ ۴. تهران: دانشگاه تهران.

جعفریان، رسول (۱۳۸۳). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه. چاپ اول. قم: انتشارات انصاریان. حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۰). دیوان غزلیات. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی علیشاه.

داد، سیما (۱۳۹۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات مروارید.

رازی، نجم‌الدین (۱۳۸۶). مرموزات اسدی در مرموزات داودی. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

رضی، هاشم (۱۳۷۹). حکمت خسروانی. چاپ اول. تهران: انتشارات بهجت.

سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی: نظریه و عمل. چاپ اول. تهران: نشر علم.

_____ (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی کاربردی. ویرایش دوم. چاپ دوم. تهران: نشر علم.

سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۶۹). کلیات سعدی. به اهتمام محمدعلی فروغی. تهران: امیرکبیر.

شریفی، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ ادبیات فارسی. چاپ دوم. تهران: نشر نو و معین.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶). زمینه اجتماعی شعر فارسی. چاپ اول. تهران: نشر اختران.

_____ (۱۳۸۸). موسیقی شعر. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات آگاه.

۲۰. بدون در نظر گرفتن جنبه نقیضه بودن آن که در قسمت بعد خواهد آمد خود عنوان آیرونی دارد.

۲۱. وجود چندین اثر با این نام در متون پهلوی مانند کارنامه و کارنامه اردشیر بابکان و کارنامه انوشیروان گواه بر تأثیر پذیری و گرایش به عهد باستان در نامگذاری کتاب‌ها است (ر.ک: تفضلی، ۱۳۷۸، ۲۶۰-۲۶۴).

۲۲. اثری عرفانی و حکمی از سهروردی با تأثیرپذیری از شاهنامه.

۲۳. در شرح مکاشفات آذر کیوان اثر خداجوی نامدار.

۲۴. اثر عبدی بیگ شیرازی در برابر خسرو و شیرین نظامی سروده شده است.

۲۵. در علم توحید و مراتب وجود اثر عزالدین شیرازی.

۲۶. عنوان این کتاب از نظر بلاغت در نوع خود پدیده‌ای منحصر به فرد است زیرا شاعر انواع تناسب‌های لفظی و معنوی را در آن گنجانده است اما از این بلاغت‌های به کار برده در عنوان خود به سبب آرایش زیاد کلام مقصود اصلی را که معرفی کتاب است گم کرده است. سعی در آوردن نام ممدوح و حامی در عنوان (داود) و آوردن واژه‌ای که با آن اسم، تناسب ظاهری داشته باشد (مزمور/ زبور). نویسنده، این کتاب را در شهر ارزنجان و به سال ۶۲۱ق، برای داودشاه بن بهرام‌شاه از آل منکوچک، تألیف کرده است. وی، درباره وجه تسمیه کتاب می‌گوید: «چون سخن این ضعیف مبتنی بر مرموزات باشد، خواست تا اسم مطابق مسمی بود و چون تحفه حضرت داودی می‌ساخت، خواست تا با مرموزات زبور داودی مناسبتی دارد، این مجموعه را بر ده مزمور بنا افتاد... و نام کتاب بدین مناسبات، مرموزات اسدی در مرموزات داودی نهاده آمد» (نجم رازی، ۱۳۸۶: ۳۵). عنوان این کتاب نمونه‌ای تراحم صنایع ادبی است زیرا عنوان هم نام نویسنده (اسدی) و هم حاکم زمان (داودی) را توأمان با خود دارد و در ساخت آن از مجموعه‌ای از صنایع ادبی استفاده شده است. صنایعی مانند سجع، جناس، تلمیح، ایهام تناسب و ترصیع. با این همه در مقایسه با عنوان اثر دیگر نویسنده یعنی؛ مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد فاقد بلاغت و رسانگی در مورد متن است.

منابع

قرآن کریم

احمدی، بابک (۱۳۹۳). ساختار و تأویل متن. چاپ شانزدهم. تهران: نشر مرکز.

- کالر، جاناتان (۱۳۸۹). *نظریه‌های ادبی*. ترجمه فرزانه طاهری. چاپ سوم. تهران: نشرمرکز.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۹) *بديع*. تهران: کتاب ماد.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳). *تاریخ تذکره‌های فارسی*. دو جلد. تهران: کتابخانه سنایی.
- مدبری، محمود (۱۳۶۴) *فرهنگ کتاب‌های فارسی*. یک جلد دو بخش. تهران: نشر ویس.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۰). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- ناصرخسرو (۱۳۷۲) *دیوان اشعار*. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: دنیای کتاب.
- نظامی عروضی، احمد (۱۳۷۱) *چهار مقاله*. به کوشش محمد معین. تهران: انتشارات ارمغان.
- واینسهایمر، جوئل (۱۳۹۰). «استعاره به مثابه استعاره فهم». برگردان فرهاد ساسانی. *مجموعه مقالات استعاره مبنای تفکر و زیبایی‌آفرینی*. تهران: سوره مهر.
- _____ (۱۳۹۱). *رستاخیز کلمات*. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.
- _____ (۱۳۹۲). *زبان شعر در نثر صوفیانه*. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۲). *بیان*. ویراست چهارم. چاپ دوم. تهران انتشارات میترا.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ادبیات ایران*. ۵ جلد. تهران: انتشارات فردوس.
- صفوی، کورش (۱۳۷۳). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. جلد اول: نظم. چاپ اول. تهران: نشر چشمه.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۹). «از کلام متمکن تا کلام مغلوب». *نقد ادبی*. ش ۱۰. صص ۳۵-۶۲.
- _____ (۱۳۹۲). *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.
- قادری، بهزاد (۱۳۷۱). «زبان ادبی به عنوان زبان نشانه‌ها». *مجله زبان‌شناسی*. س ۹. ش ۲. صص ۲-۲۰.

